

از سطل زباله تا زباله دان تاریخ

رهبر معظم انقلاب: یک مشت تخریبگر، ساختمان‌های کشور را تخریب کردند و سطل زباله آتش زدند، تا دل ترامپ شاد شود



در شرایطی نام سرژ اوریه از فهرست پرسپولیس خط خورده که مذاکرات در مسیر جذب مدافع راست جدید برای سرخ‌پوشان مثبت پیش گرفته است.

ماجرای همه تخم مرغ‌ها و یک سبد!

در صفحه ۸ بخوانید

واکنش جیلی به اجرای غیرعرف

در صفحه ۶ بخوانید

اعتراض اقتصادی باید شنیده شود

برای جنگ و مذاکره آماده‌ایم

۴

قدرت نظارتی



قاضی‌زاده هاشمی ادامه داد: برداشت شخصی من این است که همان‌طور که جریان اصلاحات به‌درستی به این جمع‌بندی رسیده و بر ارائه یک لیست واحد ایستاده، ما هم نباید در دام این تحلیل بقیتمی که با سه لیست می‌توان مثلاً ۱۰ یا ۱۵ نفر را وارد شورا کرد؛ چراکه نتیجه آن تقریباً روشن است. در این میان، عده‌ای با لابی‌گری و بدبختان، بخشی از نیروهای وفادار به جریان انقلاب را به سمت گزینیهایی سوق می‌دهند که پایگاه متوسطی میان اصلاح‌طلبان و برخی اصولگرایان دارند

وی تأکید کرد: شهرداری تهران پایگاه بسیار مهمی است. ما به‌ویژه در سال‌های اخیر، در جریان برخی تنش‌ها و بحران‌ها، نقش و کارکرد شهرداری تهران را به‌خوبی دیدیم. این نهاد می‌تواند در حوزه‌های فرهنگی، اجرایی، عمرانی و حتی مسائل زیرساختی مانند پروژه‌های آب و عمران، نقش مؤثری در تقویت پشتوانه نظام ایفا کند

قاضی‌زاده هاشمی گفت: تحلیل شخصی من این است که باید تلاش شود از ایجاد تفرقه جلوگیری شود. تفرقه‌های انتخاباتی باقی می‌ماند، سوءظن‌ها میان دوستان شکل می‌گیرد و هواداران، دعوای انتخاباتی را فراموش نمی‌کنند. این رقابت‌ها به اختلافات پایدار تبدیل می‌شود. امروز بیش از هر زمان دیگری، نیروهای طرفدار انقلاب به وحدت کلمه نیاز دارند؛ نه فقط برای انتخابات، بلکه برای اصل نظام. هر عاملی که موجب تضعیف این وحدت می‌شود، باید از آن پرهیز کرد و یکی از آن عوامل، تشتت انتخاباتی است

وی ادامه داد: ما به سهم خود، هرچند به‌عنوان فردی گوشه‌نشین، هر جا دوستان را می‌بینم یا آن‌ها گفت‌وگو می‌کنیم؛ گاهی نصیحت، گاهی خواهش و گاهی التماس. نه فقط در این جلسه، بلکه در جلسات دیگر نیز، از جمله نشست‌هایی که با دوستان دولت شهید رئیسی و دیگر جریان‌های سیاسی داریم، این دغدغه را مطرح کرده‌ام

قاضی‌زاده هاشمی بیان کرد: اگر همت شود و همه ذیل یک لیست واحد جمع شوند، ممکن است به‌جای ورود مثلاً ۱۵ یا ۱۶ نفر پراکنده، ۱۱ یا ۱۲ نفر منسجم و هماهنگ وارد شورا شوند. این ۱۱ یا ۱۲ نفر، هرچند اکثریتی شکننده‌تر به‌نظر می‌رسند، اما به دلیل وحدت و انسجام، می‌توانند شورا را در اختیار بگیرند، شهردار هماهنگی انتخاب کنند و با جذب چند نفر از مستقل‌ها، اکثریت پایدارتری شکل دهند. تجربه نشان داده است که همواره تعدادی از افراد به سمت اکثریت منسجم گرایش پیدا می‌کنند

وی افزود: در مقابل، اکثریتی متکثر که از ابتدا دچار اختلاف است، در طول چهار سال با شهرداری دچار تنش، اختلاف و حتی فتنه‌انگیزی خواهد شد. بنابراین، وحدتاگر با عدد کمتر به‌مراتب کارآمدتر و مؤثرتر از تکه‌پُر عددی بدون انسجام است

به مردم و شنیدن صدای آنان ضروری است. ستاد اجرای طرح به‌صورت شبانه‌روزی فعال است و شخصاً در میدان حضور دارم تا هیچ دغدغه یا شبهه‌ای برای مردم باقی نماند

رئیس‌جمهور با اشاره به اهمیت مدیریت محله‌محور و مشارکت مردمی گفت: مشارکت مردم، شهرداری‌ها، سازمان‌های مردم‌نهاد، نخبگان دانشگاهی و ظرفیت‌های بومی هر استان باید جدی گرفته شود و هر استان متناسب با فرهنگ و سبک زندگی مردم خود، از توانمندی‌های منطقه‌ای برای پیشبرد بهتر طرح استفاده کند. معتمد اگر در اجرای الگوی مدیریت محله‌محور در استان‌ها به عنوان یکی از اولویت‌های دولت تسریع می‌شد، قطعاً از بروز اعتراضات جلوگیری می‌کرد؛ پزشک‌بان با تبیین شرایط کشور و اهداف دولت در اجرای این طرح بزرگ اقتصادی تصریح کرد: ما در میانه یک جنگ تمام‌عیار اقتصادی با تحریم‌ها و فشارهای خارجی و همچنین منافع‌طلبی و رانت‌خواری داخلی قرار داریم. طبیعی است که صاحبان منافع از اجرای این طرح ناراضی باشند، اما دولت مصمم است ریشه فساد و تبعیض را ببرد و معیشت مردم را تا حد امکان از فشارهای خارجی مصون نگه دارد

رئیس‌جمهور همچنین خطاب به استانداران تأکید کرد: در مواجهه با اعتراضات، نهایت مدارا، گفت‌وگو، تعامل و شنیدن مطالبات مردم در دستور کار باشد و از هرگونه رفتار خشن و قه‌ری پرهیز شود

پیش از سخنان رئیس‌جمهور، رئیس کل بانک مرکزی و وزرای امور اقتصادی و دارایی، صنعت، معدن و تجارت، جهاد کشاورزی، راه و شهرسازی و تعاون، کار و رفاه اجتماعی، در سخنانی جداگانه به تبیین وظایف و مأموریت‌های دستگاه‌های متبوع خود در اجرای این طرح پرداختند و به پرسش‌های تعدادی از استانداران پاسخ دادند

سید امیرحسین قاضی‌زاده هاشمی عضو شورای مرکزی حزب اسلامی قانون در گردهمایی دبیران کل احزاب اصولگرا گفت: ما در مجلس، در دوره‌های گذشته تلاش زیادی برای تناسبی شدن انتخابات انجام دادیم؛ نه در انتخابات شوراها، بلکه در انتخابات مجلس. مجلس به‌عنوان یک نهاد سیاسی، به سمت استانی و تناسبی شدن حرکت می‌کرد. در دو سه دوره مجلس این موضوع پیگیری شد، اما هر بار شورای محترم نگرهان به‌دلیل ایراداتی که مجمع تشخیص مصلحت نظام در حوزه سیاست‌های کلی مطرح می‌کرد، آن را رد می‌کرد

وی افزود: بنده شخصاً معتقدم که در قانون فعلی شورا و شهرداری، با توجه به اینکه شورا یک نهاد اجرایی را انتخاب می‌کند، تناسبی شدن انتخابات شوراها می‌تواند به ثبات مدیریت شهری آسیب بزند. مجلس یک نهاد سیاسی است، اما شورا ذاتاً سیاسی نیست و سیاسی کردن شورا و سپردن آن به لیست‌های صرفاً سیاسی، به‌نظر من خطاست. البته دوستان تصمیم گرفتند از یک شهر، آن هم کلان‌شهر تهران، این مسیر را آغاز کنند

قاضی‌زاده هاشمی گفت: منطق اصلی تناسبی شدن، سهیم شدن همه جریان‌ها در قدرت نظارتی است، نه اجرایی. دولت‌های ائتلافی معمولاً دولت‌های موقتی در حوزه اجرا نیستند؛ زیرا اجرای امور نباید به دست چند گروه با اختلاف‌نظرهای جدی سپرده شود. در چنین شرایطی، مجری دچار توقف و اختلال می‌شود. شهرداری نیز یک نهاد اجرایی است که باید شهر را اداره کند و طبیعتاً یک گروه منسجم باید مسئولیت را بر عهده بگیرد و کار را پیش ببرد. این ماهیت، با مجلس که یک نهاد سیاست‌گذار و نظارتی است و باید صدای همه در آن شنیده شود و حقوق اقلیت‌ها حفظ شود، تفاوت اساسی دارد

رئیس سابق بنیاد شهید خاطرنشان کرد: احتمالاً دوستان به این جمع‌بندی رسیده‌اند که از مسیر انتخابات مجلس به نتیجه نرسیده‌اند و به همین دلیل از شوراها، به‌ویژه شورای شهر تهران، شروع کرده‌اند. ما خودمان چند دوره درگیر این بحث بودیم؛ از مجلس هشتم به بعد، و حتی پیش از آن نیز دوستان مجلس هفتم درگیر این موضوع بودند. کسانی که سابقه نمایندگی دارند، در جریان جزئیات این ماجرا هستند

قاضی‌زاده هاشمی با طرح این موضوع که آیا جریان نیروهای انقلاب بهتر است یا یک لیست وارد انتخابات شود یا با چند لیست؟ بیان کرد: درباره فواید چندلیستی بودن محاسبات و تحلیل‌هایی ارائه می‌شود و به تجربه‌های بین‌المللی هم اشاره می‌کنند. اما باید توجه داشت که این تجربه‌ها مربوط به کشورهایی است که سال‌ها نظام حزبی در آن‌ها جا افتاده، ماهیت و کارکرد احزاب روشن است و احزاب در برابر رفتار متخبران خود پاسخگو هستند

وی تصریح کرد: مقایسه این شرایط با وضعیت امروز ایران، با وجود فعالیت‌های حزبی، قیاس دقیقی نیست. تعداد احزاب زیاد است، دعوای‌های درون گفتمانی غلیظی وجود دارد، صف‌بندی‌ها شفاف نیست، رشد درون‌حزبی شکل نگرفته و پاسخگویی مشخصی هم از سوی افراد منتخب و احزاب نمی‌بینیم. بارها شاهد بوده‌ایم که افراد با یک لیست وارد می‌شوند، اما پس از انتخاب، به مسیر دیگری می‌روند

نامزد انتخابات ریاست جمهوری ییادآور شد: در همین انتخابات ریاست‌جمهوری گذشته، علاوه بر دعوای بیرون‌گفتمانی، شاهد درگیری‌های شدید درون‌گفتمانی نیز بودیم و دوستان به‌سختی به تقاهم می‌رسیدند. نتیجه این وضعیت را هم کم‌وبیش در انتخابات دیدیم. با چنین شرایطی، ورود به انتخابات با چند لیست، آن هم با تکیه بر محاسبات و تجربه‌های بین‌المللی، به‌نظر من خطاست؛ چراکه نه تجربه کارکرد حزبی منسجم داریم، نه پاسخگویی حزبی و نه انضباط سیاسی



برای جنگ و مذاکره آماده‌ایم

سید عباس عراقچی وزیر امور خارجه کشورمان در بندو ورود به بیروت لبنان در نشست خبری ضمن ابراز خوشحالی از سفر به شهر زیبای بیروت اظهار کرد: طی امروز و فردا با مقامات لبنانی دیدار خواهیم کرد و هدف اول من رایزنی با دوستانمان و مقامات لبنان در خصوص تحولات جاری در منطقه است. وی افزود: از آقای خلیل حمدان نماینده محترم رئیس مجلس لبنان نبیل بری تشکر می‌کنم هم به خاطر استقبال از بنده هم جهت صحبت‌های بسیار مهمی که بیان فرمودند. همانطور که ایشان فرمودند منطقه ما در حال حاضر با چالش‌های بسیار مهمی روبروست

وزیر امور خارجه کشورمان در ادامه تأکید کرد: تهدیدهایی که به طور مشخص از جانب رژیم صهیونیستی متوجه منطقه است و شاید هیچگاه آنقدر بزرگ نبوده است، در دو سال گذشته هفت کشور منطقه از جمله ایران و لبنان مورد حمله رژیم صهیونیستی قرار گرفته است. هنوز قسمتهایی از خاک لبنان در اشغال این رژیم است. در طول یک سال گذشته آتش بسی که برقرار شده به طور مرتب از سوی این رژیم نقض می‌شود و به هیچکدام از تعهدات خود عمل نکرده است. عراقچی متذکر شد: هدف اول من از سفر به لبنان این است که با مقامات لبنان رئیس جمهور محترم، رئیس مجلس، نخست وزیر و وزیر امور خارجه و دیگر مقامات در خصوص این چالش‌ها و تهدیدها رایزنی نزدیک داشته باشیم. لبنان کشور بسیار مهمی در منطقه ما است و نقش مهمی در صلح و ثبات این منطقه بازی می‌کند

وزیر امور خارجه کشورمان خاطرنشان کرد: جمهوری اسلامی ایران با همه کشورهای منطقه در حال مشورت رایزنی و تبادل نظر است و سفر من به لبنان در زمان بسیار مهمی برای مشورته‌ها بین دو کشور صورت می‌گیرد. هدف دوم سفر من پیش برد روابط دوجانبه بین دو کشور ایران و لبنان است. وی تصریح کرد: ایران و لبنان از قدیم ارتباطات دیپلماتیک و سیاسی داشتند، روابط و تبادلات اقتصادی و فرهنگی داشتند و ما به دنبال گسترده کردن این روابط و پیشبرد آن در حوزه اقتصادی هستیم. جمهوری اسلامی ایران به دنبال گسترش روابط همه جانبه با کل دولت لبنان است و من در این سفر دیدار با وزیر امور خارجه لبنان را نیز خواهم داشت برای اینکه روابط تجاری و همکاری‌های اقتصادی گسترش یابد. وزیر خارجه کشورمان با اشاره به حجم روابط اقتصادی ایران و لبنان، تأکید کرد: از سال گذشته میزان تجارت بین ایران و لبنان از عدد ۱۱۰ میلیون دلار تجاوز کرده است که این امر رشد قابل ملاحظه‌ای را نشان می‌دهد و مشخص می‌کند که ضمن آن، چه میزان ظرفیت برای گسترش این روابط میان ایران و لبنان وجود دارد. وزیر امور خارجه کشورمان با بیان آنکه ایران و لبنان همچنین از یک فرهنگ غنی و یک سابقه تمدنی بسیار غنی برخوردار هستند اظهار داشت: تبادلات فرهنگی بین دو کشور می‌تواند به گسترش دوستی و روابط مبتنی بر احترام بین دو کشور، یعنی ایران و لبنان، کمک کند



ابلاغ ۵ دستور به استانداران برای اجرای موفق طرح اصلاح یارانه‌ها

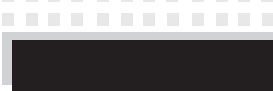
جلسه تبیین و هماهنگی روند اجرای طرح بزرگ اقتصادی دولت با موضوع اصلاح نظام پرداخت یارانه کالا‌های اساسی به نفع مردم، امروز پنجشنبه ۱۸ دی ۱۴۰۴ با حضور مسعود پزشکیان، اعضای اقتصادی کابینه و با مشارکت برخط استانداران سراسر کشور برگزار شد. این جلسه با هدف ایجاد هماهنگی حداکثری میان دولت و استان‌ها برای اجرای هرچه دقیق‌تر، مؤثرتر و موفق‌تر این طرح ملی برگزار شد

رئیس‌جمهور در این جلسه ضمن قدرانی از تلاش‌ها و زحمات تمامی دست‌اندرکاران اجرای این طرح بزرگ اقتصادی، تأکید کرد: کام‌نخست و بسیار مهم در اجرای موفق این طرح، اطلاع‌رسانی دقیق، شفاف و به‌موقع به جامعه است. باید برای مردم به‌روشنی تبیین شود که در گذشته منابع کشور چگونه با رانت و بی‌عدالتی توزیع می‌شد و دهک‌های بالای جامعه بیشترین بهره را می‌بردند، در حالی که اکنون دولت در پی توزیع عادلانه منابع میان همه مردم است

پزشکیان با تأکید صریح بر حفظ حقوق مردم در منابع کشور تصریح کرد: در این طرح، یارانه دهک‌های یارانه‌بگیر به هیچ عنوان حذف نخواهد شد، بلکه یارانه‌ای که پیش از این به برخی واردکنندگان اختصاص می‌یافت، مستقیماً به مصرف‌کننده نهایی پرداخت خواهد شد

رئیس‌جمهور با اشاره به اصول حاکم بر این طرح افزود: بازار به‌صورت کاملاً شفاف و بدون تبعیض، پذیرای عرضه منابع دولتی خواهد بود. اگرچه از منظر علمی و اقتصادی روند توزیع می‌تواند به‌صورت پلکانی و به نفع دهک‌های پایین‌تر باشد، اما در مقطع فعلی بنا بر آن است که پرداخت‌ها به همه مردم انجام شود. بر اساس مطالعات دقیق، هشت دهک پایین جامعه نه تنها متضرر نخواهند شد، بلکه از منافع بیشتری برخوردار می‌شوند و دو دهک بالای درآمدی نیز متناسب با مصرف مازاد خود، هزینه بیشتری پرداخت خواهند کرد

پزشکیان با تأکید ویژه بر نقش استانداران و مدیران استانی در اجرای طرح بزرگ اقتصادی دولت و لزوم اهتمام ویژه به تعامل و روابط بین‌بخشی در سازمان‌های استانی خاطرنشان کرد: برخی مدیران هنوز به ابعاد مختلف این طرح تسلط کافی ندارند و لازم است در کوتاه‌ترین زمان ممکن، اهداف و ابعاد طرح برای همه مدیران روشن شود و زبان و نگاه مشترک شکل بگیرد



از تواضع تا طرد وسوسه‌های مادی

غلامرضا تختی، نامی که در حافظه جمعی ایرانیان فراتر از یک قهرمان ورزشی و در قامت یک اسطوره ملی و نماد اخلاقی اجتماعی حک شده است

در پنجم شهریور ۱۳۰۹ در محله خانی‌آباد تهران چشم به جهان گشود.

او در خانواده‌ای متدین و ریشه‌دار متولد شد؛ پدربزرگش «حاج‌قلی» بنشن‌فروشی بود

که به دلیل نشستن بر تختی بلند در دکانش به «تختی» شهره گشت، اما تقدیر چنان بود

که غلامرضا از همان کودکی طعم تلخ بی‌عدالتی و فقر را بچشد.

در دوران پهلوی اول، یخچال‌های طبیعی پدرش «اریاب رجب» برای احداث راه‌آهن تصرف شد

و این ضربه اقتصادی، خانواده را به ویرانی کشاند و پدر را دچار پریشانی احوال کرد

این پیشینه خانوادگی و مشاهده ظلم عربیان، نخستین بذرهای روحیه ضد استبدادی و همدردی با مظلومان را در جان غلامرضا کاشت
او که به دلیل مشکلات مالی تحصیل را در دبیرستان منوچهری رها کرده بود

به شاگردی نجاری و سپس کار در شرکت نفت مسجدسلیمان روی آورد، اما تقدیر او بر تشک کشتی رقم خورده بود

ورزش برای تختی نه مسیری برای کسب ثروت، بلکه عرصه‌ای برای صیانت از عزت نفس بود.

او کشتی را از باشگاه «پولاد» زیر نظر عبدالحسین قلیی آغاز کرد. اگرچه نخستین حضورهای او با شکست همراه بود

اما پشتکار خیره‌کننده‌اش او را به تیم ملی رساند.

تختی در طول دوران ورزشی خود از ۱۳۳۰ تا ۱۳۴۵، موفق به کسب هفت مدال المپیک و جهانی شد

(یک طلا و دو نقره المپیک، دو طلا و دو نقره جهانی)؛ رکوردی که او را به پرافتخارترین کشتی‌گیر تاریخ ایران تا سال‌ها بدل کرد

با این حال، آنچه تختی را از دیگران متمایز می‌کرد، نه رنگ مدال‌ها، بلکه «منش پهلوانی» او در میدان مبارزه بود

مشهورترین روایت، کشتی فینال او با الکساندر مدوید است؛

جایی که تختی با علم به مصدومیت پای حریف، تمام مدت کشتی از هجوم به سمت پای آسیب‌دیده او خودداری کرد.

این رفتار که برخاسته از ریشه‌های عمیق اخلاقی پهلوانی و سنت‌های زورخانه‌ای بود

حتی تحسین رقیبانش را برانگیخت؛ چنان‌که مدوید بر مزار او گریست و او را مهربان‌ترین انسانی خواند که در زندگی ورزش‌اش دیده است
منش عملی و فکری؛ از تواضع تا طرد وسوسه‌های مادی

شخصیت تختی آمیزه‌ای از دیانت، تواضع و استقلال رأی بود. او که در خانواده‌ای مذهبی رشد یافته بود

همواره پیوند خود را با ارزش‌های دینی حفظ کرد

و در دشوارترین لحظات زندگی به ائمه اطهار و معنویت متوسل می‌شد. «قوِز تواضع» او در برابر مردم و رفتار متواضعانه‌اش با زیردستان، از او



چهره‌ای محبوب در میان توده‌ها ساخت. تختی به شدت از تظاهر و خودنمایی گریزان بود.

او در اوج شهرت، پیشنهادهای کلان برای تبلیغ کالاهای تجاری (مانند تیغ ژیلت) یا بازی در فیلم‌های سینمایی را رد کرد

چرا که معتقد بود شأن یک پهلوان بالاتر از آن است که ابزار دست سرمایه‌داری و تبلیغات شود

او به معنای واقعی کلمه «زاهدانه» زیست و از ردای قهرمانی‌اش برای اندوختن ثروت بهره ننجست.

در عوض، هر جا که دردی از مردم می‌دید، پیشقدم می‌شد. نمونه درخشان این مدعا، زلزله بوئین‌زهر را در سال ۱۳۴۱ است.

در حالی که دستگاه‌های دولتی در جلب اعتماد مردم ناکام بودند

تختی با یک وانت و بلندگو در خیابان‌های تهران راه افتاد و چنان موجی از همدلی برانگیخت که مردم حتی جواهرات و دارایی‌های اندک خود را به او سپردند

تا به دست زلزله‌زدگان برساند. این واقعه، تیر خلاصی بر مشروعیت اجتماعی رژیم پهلوی و تأکیدی بر مرجعیت اخلاقی تختی بود

نقش تختی در نهضت ملی و ایستادگی سیاسی

حیات سیاسی تختی، فصلی جدایی‌ناپذیر از زندگی اوست. او از جوانی به آرمان‌های نهضت ملی ایران و شخصیت دکتر محمد مصدق دلبستگی پیدا کرد

پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، تختی نه تنها از مواضع خود عقب‌نشینی نکرد، بلکه به عضویت نهضت مقاومت ملی درآمد. حضور او در جلسات جبهه ملی و ارتباط نزدیکش با چهره‌هایی چون آیت‌الله طالقانی و آیت‌الله زنجبانی، نشان‌دهنده عمق تفکر سیاسی او بود.

تختی در سازمان ورزشی جبهه ملی نقشی محوری داشت و حتی در کنگره جبهه ملی در سال ۱۳۴۱ به عضویت شورای مرکزی انتخاب شد.

او در میدان سیاست نیز همان پهلوان تشک کشتی بود

صریح و بی‌پاک.

نقل است که در مراسمی، وقتی محمدرضا پهلوی می‌خواست مدال را بر گردن او بیاورد، تختی برخلاف عرف معمول، سر خم نکرد و شاه

مجبور شد دستاش را بالا بیاورد تا مدال را بیاورد

او همچنین در میان دانشجویان معترض و در تشکل‌های صنفی محبوبیت بالایی داشت و همواره بر لزوم عمل‌گرایی و ایستادگی در برابر استبداد تأکید می‌کرد

علاقه او به مصدق چنان بود که حتی بر روی هدایای شخصی‌اش،

تصویر پیشوای نهضت ملی را حک می‌کرد

محاصره استبداد و فرجام تلخ

محبوبیت فزاینده تختی و نزدیکی او به اپوزیسیون، خشم ساواک و دربار را برانگیخت. رژیم پهلوی که نمی‌توانست

محبوبیت او را تحمل کند و از سوئی از تبعات زندانی کردنش هراس داشت، استراتژی «انزواي تدریجی» را در پیش گرفت.

حقوق ماهیانه او قطع شد، از ورودش به ورزشگاه‌ها جلوگیری به عمل آمد و تحت نظارت شدید امنیتی قرار گرفت



حاکمیت پهلوی تلاش کرد تا با بریدن دست‌های حمایتی او، وی را در تنگنای معیشتی و روانی قرار دهد.

تختی که تمام هویت خود را در پیوند با مردم و گره‌گشایی از آنان می‌دید، در سال‌های پایانی عمر تحت فشارهای خردکننده‌ای قرار گرفت. شکست

در المپیک ۱۹۶۴ توکیو که بخشی از آن محصول نبود حریف تمرینی و کارشکنی‌های مسئولان وقت بود، اگرچه از محبوبیت او در میان مردم نکاست، اما او را در انزوایی ناخواسته فرو برد

سرانجام در ۱۷ دی ماه ۱۳۴۶، خبر درگذشت جهان‌پهلوان در هتل آتلانتیک تهران، شوک عظیمی به جامعه وارد کرد.

اگرچه مقامات رسمی علت مرگ را خودکشی اعلام کردند، اما توده‌های مردم که روحیه پهلوانی و ایمان تختی را می‌شناختند، هرگز این روایت را نپذیرفتند

از نظر مردم، تختی کشته استبداد و جامعه‌ای بود که تنفس را برای آزادگان دشوار کرده بود

مراسم تشییع و ترحیم او در ابن‌بابویه به بزرگ‌ترین تظاهرات ضد حکومتی پس از سال ۱۳۴۲ بدل گشت. جلال آل‌احمد در توصیف این واقعه نوشت که مردم خودکشی تختی را باور نکردند

چون او «پهلوان» بود و پهلوان در برابر مشکلات سر خم نمی‌کند؛ لذا مرگ او را به حساب رژیم نوشتند

تختی فراتر از مدال‌هایش، با «ته» گفتن به قدرت و «آری» گفتن به مردم، به اسطوره‌ای بدل شد

که تاریخ ایران هرگز فراموشش نخواهد کرد. او نشان داد که پهلوانی نه در زور بازو، بلکه در ایستادن در سمت درست تاریخ و در کنار مظلومان

است. نام او امروز، نه فقط به عنوان یک قهرمان کشتی، بلکه به عنوان معیار و سنج‌ای برای سنجش مردانگی و شرف در حافظه

تاریختی ملت ایران باقی مانده است

اندیشه



جلوه اخلاقی عارف تهران

سید محمدکاظم عصار حسینی، شخصیتی است که در تاریخ اندیشه معاصر ایران، به عنوان حلقه‌ای پیونددهنده میان سنت

کهن حوزوی و ساختار نوپدید دانشگاهی شناخته می‌شود

او که جامع معقول و منقول بود، نه تنها در مقام یک حکیم الهی و عارف مثاله، بلکه به عنوان مدرسی متبحر در علوم جدید ریاضی، هیئت و فیزیک، چهره‌ای منحصربه‌فرد از خود بر جای گذاشت

کارنامه او تبلور آمیزش دقیق دقت‌های فیلسوفانه، شهودهای عرفانی و انضباط علمی است که وی را از مشاهیر طراز اول حکمت متعالیه در سده چهاردهم شمسی قرار می‌دهد

تکوین شخصیت و سیر تحصیلات در عوالم قدیم و جدید

سید محمدکاظم عصار در سال ۱۳۰۲ قمری در کاطمین دیده به جهان گشود. پدرش، آیت‌الله سید محمد عصار تهرانی، از شاگردان بنام میرزای شیرازی و میرزا حبیب‌الله رشتی بود که خود سهم بسزایی در پی‌ریزی بنیان‌های فکری فرزندش داشت

هوش سرشار و حافظه نیرومند محمدکاظم از همان اوان کودکی نمایان گشت؛ به طوری که در سه سالگی قرائت قرآن و تعلیم

خط را آغاز کرد و در پنج سالگی حافظ کل قرآن کریم شد. این نبوغ ذاتی، او را به سوی تحصیلات جامع در مدرسه عبدالله‌خان و سپس حوزه‌های علمیه تهران، اصفهان و نجف سوق داد

دوران تحصیل عصار در تهران، دوران طلایی آشنایی او با استوانه‌های حکمت و عرفان بود. او فلسفه مشاء و کتاب‌های شفا و اشارات را نزد میرزا حسن کرمانشاهی آموخت و حکمت اشراق و اسفار اربعه

را به مدت شش سال در محضر میر شهاب‌الدین نیریزی شیرازی تلمذ کرد

اما آنچه جنبه‌های عرفانی شخصیت او را صیقل داد، حضور در درس آقا میرزا هاشم اشکوری لاهیجی بود؛ جایی که فصول‌الحکم ابن‌عربی، مفتاح‌الغیب قونوی و تمهیدالقواعد صائِل‌الدین ترکه را

به دقت واکاوی کرد. نکته جالب در زندگینامه او، ردّ شایعه شاگردی نزد میرزا ابوالحسن جلوه است: عصار در زمان درگذشت جلوه تنها

۱۲ سال داشت و هنوز به جرگه طلاب فلسفه نیویسته بود

عصار علاوه بر علوم نقلی و حکمی، به سوی علوم جدید نیز گام برداشت. او دوره ریاضیات را پشت سر گذاشت و نزد استادانی چون عبدالرزاق‌خان بغایری و نجم‌الدوله، ریاضیات استدلالی، هیئت

جدید و فیزیک را فرا گرفت. این اشتیاق به دانستن، او را حتی به فرانسه کشانید تا در رشته طب به تحصیل بپردازد؛ هرچند به دلیل

حساسیت‌های اخلاقی نسبت به تشریح اجساد، آن را نیمه‌کاره رها کرد و راهی نجف شد تا در جوار بارگاه علوی، مبانی فقه و اصول

خود را نزد بزرگانی چون شیخ‌الشریعه اصفهانی و آقا ضیا عراقی به کمال برساند و در سن ۲۹ سالگی به درجه اجتهاد نائل آید

کارنامه علمی؛ از تأسیس مدارس تا کرسی دانشگاه

حیات عملی علامه عصار با تدریس و کادرسازی گره خورده بود. او پس از بازگشت از فرانسه و پیش از عزیمت به نجف، به پیشنهاد

استادش مهندس بغایری، راهی تبریز شد تا نخستین دبیرستان آذربایجان را تأسیس کند. در آنجا علاوه بر مدیریت، به تدریس علوم طبیعی، حساب، هندسه و زبان فرانسه پرداخت. رابطه عمیق او

با تفقه‌الاسلام تبریزی در همین دوران شکل گرفت و گفته می‌شود تفقه‌الاسلام بخشی از کتاب اسفار را نزد وی تلمذ کرده است

پس از مراجعت از نجف، عصار به جای پیگیری مناصب مرجعیت یا ریاست‌های ظاهری، تدریس را به عنوان اصلی‌ترین مشغله

خود برگزید

او ابتدا در حوزه‌های سنتی تهران همچون مدرسه صدر، مدرسه خان مروی و مدرسه سپهسالار به تدریس سطوح عالی معقول و منقول پرداخت. با تأسیس دانشگاه تهران، او از جمله نخستین استادانی بود که به عضویت هیئت علمی دانشگاه معقول و منقول (الهیات) درآمد و تا زمان بازنشستگی، هزاران دانشجو را از دانش خود بهره‌مند ساخت

او در تدوین قانون مدنی ایران نیز به عنوان صاحب‌نظری واجد اثر، نقش‌آفرینی کرد که نشان از تسلط او بر ابعاد اجرایی فقه در

دنیای مدرن داشت.شاگردان عصار طیف وسیعی را شامل می‌شوند؛ از مراجع تقلیدی چون سید شهاب‌الدین مرعشی نجفی که از او

اجازه روایت داشت، تا استادان برجسته دانشگاهی همچون سید جلال‌الدین آشتیانی، سید حسین نصر، بدیع‌الزمان فروزانفر و محمود روح‌الامینی. این تنوع شاگردان نشان‌دهنده زبان مشترک

عصار با طبقات مختلف علمی و توانایی او در انتقال مفاهیم پیچیده حکمی به زبان‌های گوناگون است.اندیشه‌های حکمی و عرفانی؛

وحدت وجود و گره‌گشایی از بداء

جایگاه فکری علامه عصار را باید در تداوم مکتب ملاصدرا و ابن‌عربی جستجو کرد، اما با رویکردی انتقادی و مستقل. او در

آثار خود نشان داد که نور ضبط صوت استادانش نیست، بلکه صاحب فکری یوباست.یکی از درخشان‌ترین فصول کارنامه فکری

او، «رساله بداء» است. او این رساله را در پاسخ به آرای میرزا محمد آقازاده خراسانی نگاشت و در آن، مسئله کلامی «بداء» (تغییر در تقدیر الهی) را با مبانی اصالت وجود و تشکیک در مظاهر حل کرد

عصار معتقد بود استناد هر فعلی به خداوند، متفرع بر تحقیق در توحید ذاتی و صفاتی است. او با استفاده از قاعده «وحدت در عین کثرت»، تبیین کرد که بداء نه به معنای جهل خداوند به عواقب امور (که نقص است)، بلکه به معنای ظهور اراده الهی در مراتب مختلف وجود است

از «دکترین مونرو» چه می‌دانیم؟



راست‌گرا، رسوایی قاچاق سلاح و فشار بی‌وقفه بر کوبا، همگی نشان داد که دکترین مونرو دیگر یک سند تاریخی نیست، بلکه یک راه‌نمای عملی برای سلطه است

وونزولا؛ باز گشت آشکار دکترین به صحنه

آنچه در ژانویه ۲۰۲۶ و وونزولا رخ داد نقطه اوج این مسیر تاریخی است. دونالد ترامپ نهنها به‌طور ضمنی بلکه به‌صراحت اعلام کرد که عملیات نظامی علیه وونزولا را در چارچوب دکترین مونرو انجام داده است. او حتی پا را فراتر گذاشت و گفت آمریکا «ونزولا را اداره خواهد کرد» تا انتقال قدرتی بزرغم خود «ایمن» صورت گیرد

این اظهارات معنایی جز نفی کامل حاکمیت ملی وونزولا ندارد. آمریکا دیگر حتی تظاهر به احترام به حقوق بین‌الملل هم نمی‌کند. دکترین مونرو در بیان ترامپ به معنای حق مطلق واشنگتن برای تعیین سرنوشت ملت‌های دیگر است. این دقیقاً همان منطق است که سازمان ملل متحد برای دفن آن تاسیس شد. اما امروز، بزرگ‌ترین مدعی نظم جهانی، خود به منطق قرن نوزدهم بازگشته است

دکترین مونرو در تعارض مستقیم با حقوق بین‌الملل

از منظر حقوق بین‌الملل دکترین مونرو هیچ جایگاهی ندارد. این دکترین یک سیاست یک‌جانبه داخلی آمریکاست و نمی‌تواند ناقض اصول بنیادین منشور ملل متحد باشد. اصل منع توسل به زور، اصل برابری حاکمیت دولت‌ها و اصل عدم مداخله، همگی مستقماً با منطق مونرو در تضادند.اما مشکل اصلی اینجااست که آمریکا، خود را مقید به این اصول نمی‌داند. وقتی واشنگتن به قضات دیوان کیفری بین‌المللی تحریم وضع می‌کند و هم‌زمان به خود اجازه می‌دهد رئیس‌جمهور کشوری دیگر را با زور بازداشت کند، روشن است که حقوق بین‌الملل از نگاه آن، ابزاری انتخابی است. دکترین مونرو در این چارچوب، به زبان صریح‌تری بیان می‌کند: قانون برای دیگران است، نه برای ما!بازگشت دکترین مونرو در قالب عملیات نظامی، پیام‌های فراتر از وونزولا دارد. این اقدام، قاعده خطرناکی را عادی می‌کند؛ اینکه قدرت‌های بزرگ می‌توانند با استناد به منافع خود، مرزها را نادیده بگیرند و دولت‌ها را سرنگون کنند. اگر این منطق بدون هزینه باقی بماند، دیگر نمی‌توان از نظم بین‌المللی سخن گفت. آنچه باقی می‌ماند، «نظم زور» است؛ نظمی که در آن، هر قدرت مسلطی می‌تواند نسخه خاص خود از دکترین مونرو را بنویسد

نتیجه

استاد ترامپ به دکترین مونرو بیش از آنکه نشانه قدرت باشد، علامت افول نظم لیبرالی است. قدرتی که به جای حقوق بین‌الملل به اسناد قرن نوزدهمی پناه می‌برد در واقع اعتراف می‌کند که دیگر نمی‌تواند سلطه خود را با قواعد مشترک توجیه کند. وونزولا امروز صحنه این بازگشت خطرناک است، اما مخاطب واقعی آن تمام جهان است. دکترین مونرو اگر دوباره مبنای عمل قرار گیرد، نقضاً آمریکای لاتین، بلکه کل نظم جهانی را به دورانی که زور جای قانون را گرفته بود، عقب می‌راند و این شاید صریح‌ترین نشانه ورود جهان به عصر «پساحقوق بین‌الملل» باشد



هدف واحد اسرائیل و امارات

به رسمیت شناختن استقلال «سومالی‌لند» توسط بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی اوج یک مسیر طولانی و پیچیده از روابط پنهانی است که دور از انتظار عمومی دنبال می‌شد. این اقدام در چارچوب یک پروژه منطقه‌ای گسترده‌تر برای بازتعریف نقشه‌های نفوذ در شاخ آفریقا و دریای سرخ صورت می‌گیرد که منافع تل‌آویو و متحدان قابل اعتماد آن، به ویژه ابوظبی را تأمین می‌کند.

الاحبار می‌افزاید که در واقع نمی‌توان اقدام رژیم صهیونیستی را از تحرکات فزاینده امارات در منطقه جدا دانست؛ تحرکاتی که با حمایت از سلطه «شورای انتقالی جنوب» آغاز شده و تا نقش غیرمستقیم آن در صحنه سودان تداوم پیدا می‌کند.

این گزارش تحولات مزبور را شبیه به یک صحنه عملیاتی واحد می‌داند که تل‌آویو با مشارکت امارات در جهت تلاش برای باز مهندسی امنیتی و سیاسی منطقه آن را دنبال می‌کند.

الاحبار این اقدام را هم‌زمان با افزایش نگرانی‌ها در تل‌آویو از رشد توانایی‌های نظامی جنبش «انصارالله» در یمن، به ویژه در زمینه موشک‌ها، پهپادها و تهدیدات دریایی، و معادلات بازدارندگی جدیدی که این توانایی‌ها در دریای سرخ و تنگه باب‌المندب ایجاد کرده‌اند، دانست.

این گزارش می‌افزاید که به نوشته روزنامه «یدیעות آحارانوت» اسرائیل به دلیل سواحل گسترده «سومالی‌لند» موقعیت استراتژیک آن در شاخ آفریقا و نزدیکی آن به مناطق تحت کنترل «انصارالله»، توجه ویژه‌ای به آن دارد. از سوی دیگر، روزنامه «هماریو» معتقد است که فایده به رسمیت شناختن نه در جنبه دیپلماتیک، بلکه در موقعیت جغرافیایی سومالی‌لند است، زیرا بندر بربره، واقع در سواحل خلیج عدن، و فرودگاه نزدیک آن، که یکی از طولانی‌ترین باندهای پرواز در آفریقا را دارد، این کشور را در یک نقطه نظارت محوری بر یکی از مهم‌ترین گذرگاه‌های کشتیرانی در جهان قرار می‌دهد. این گزارش با اشاره به اینکه اقدام تل‌آویو در سومالی‌لند نشان دهنده تلاش اسرائیل برای گسترش دامنه توافق‌های عادی سازی به سمت قاره آفریقا است، در عین حال به موضع منفی اکثریت قریب به اتفاق کشورهای عربی و اسلامی نسبت به این اقدام و صدور بیانیه‌های متعدد مشترک و انفرادی در این خصوص اشاره کرد.

الاحبار افزود که کشورهای عربی و اسلامی به سرعت بیانیه‌ای مشترک صادر کردند که به رسمیت شناختن اسرائیل را رد می‌کند. این اقدام نشان‌دهنده درک جمعی از پیامدهای منفی این اقدام است، البته جای تعجب نبود که امارات و بحرین از پیوستن به بیانیه خودداری کردند؛ زیرا نقش آنجا را نمی‌توان در پروژه‌های مهندسی منطقه بر اساس چشم‌انداز «خاورمیانه جدید» که نتایج‌همیشه از آن سخن گفته است، نادیده گرفت.

بر اساس این گزارش، امارات پیش از این تلاش‌هایی برای تأیید بین‌المللی «سومالی‌لند» در سازمان ملل متحد انجام داده بود، اما این تلاش‌ها با شکست مواجه شد. این تلاش‌ها در چارچوب استراتژی ساخت «امپراتوری نفوذ» امارات و کنترل بنادر دریایی و گذرگاه‌های حیاتی در دریای سرخ و خلیج عدن و پایگاه‌های نظامی، و تأمین مسیرهای تجارت و انرژی بین‌المللی با هماهنگی آمریکا و رژیم صهیونیستی است.

استراتژی مداخله‌جویانه امارات در یمن که از سال ۲۰۱۵ کلید خورد،

با انحراف آشکار از اهداف ائتلاف عربی، بر تخریب نظام‌مند ارتش ملی و جایگزینی آن با گروه‌های شبه‌نظامی متمرکز گردید. ابوظبی با تسلیح شورای انتقالی جنوب، در پی ایجاد کمربند امنیتی برای تسلط بر بنادر استراتژیک و جزایر کلیدی بود تا هژمونی خود را در باب‌المندب تثبیت کند. طبق گزارش‌های منابع یعنی این رویکرد نه برای ثبات، بلکه دقیقاً برای فروپاشی ساختارهای دولتی و تسهیل طرح‌های تجزیه‌طلبانه طراحی شده بود؛ برنامه‌ای که ریشه در سیاست خارجی تهاجمی امارات طی دهه اخیر دارد و قصد داشت جنوب یمن را به پایگاه نفوذ خود تبدیل کند، اما اکنون به پاشنه آشیل این کشور بدل شده است. با این حال در ادامه این یادداشت به بررسی علل خروج امارات از یمن در برابر اقدامات عربستان سعودی خواهیم پرداخت

پیروزی موقت ریاض در برابر ابوظبی

نیروهای وابسته به دولت تحت حمایت سعودی در نهایت توانستند

با پشتیبانی نظامی – سیاسی ریاض نیروهای شورای انتقالی جنوب در «حضر موت» را عقب رانده و فعلاً بر امور این منطقه حاکم شوند.

طی یک ماه اخیر ابوظبی همسو با خواسته‌های ژئوپلیتیکی رژیم صهیونیستی از حرکت نیروهای جدایی‌طلب جنوبی به سمت دو استان

مهم حضرموت و المهیره در شرق یمن حمایت کرد

تنها ساعاتی پس از این رخداد جدید، سعودی‌ها ابتدا با دولت نجات ملی در صنعاً مذاکره کردند و پس از توافق با «شمالی‌ها» در چندین نوبت بمباران استعدادهای نظامی شورای انتقالی جنوب را در بندر المکلا در دستور کار قرار دادند. نقطه اوج این تنش را می‌توان ضرب الاجل ۲۴ ساعته سعودی برای پایان مأموریت نظامی امارات در یمن و به دنبال تسلیم (حداقل ظاهری) امارات در برابر سعودی دانست. حال سوال کانونی برای ناظران بیرونی و کارشناسان مسائل بین‌الملل این است که بار دیگر رقابت میان محمد بن سلمان و محمد بن زاید وارد مرحله تخاصم شده یا آنکه این تنش از سوی دو عضو شورای همکاری خلیج فارس قابل مدیریت است

واکنش عربستان سعودی به تحرکات نظامی و لجستیکی امارات متحده عربی در یمن، بسیار تند، قاطع و نظامی‌ بوده است. پس از آنکه وزارت دفاع امارات پایان مأموریت تیم‌های مبارزه با تروریسم خود را اعلام کرد و تحولات سیاسی سریعی نظیر لغو توافق دفاع مشترک توسط رشاد العلییه رخ داد، ائتلاف عربی به رهبری ریاض دست به اقدام

حمله نظامی آمریکا به ونزولا و ریودن رئیس‌جمهور این کشور،

اگرچه در ظاهر اقدامی امنیتی معرفی شد، اما در سطحی عمیق‌تر بازگشت صریح واشنگتن به یکی از کهن‌ترین و مناقشه‌برانگیزترین اسناد سیاست خارجی خود را آشکار کرد؛ سندی که دونالد ترامپ آشکارا به آن استناد کرد و آن را «سنخه به‌روز شده» دکترین مونرو نامید. این ارجاع اعترافی آشکار به احيای منطق امپراتوری در جهان معاصر است؛ منطقی که نظم حقوقی پس از جنگ جهانی دوم دقیقاً برای مهار آن شکل گرفت

دکترین مونرو که در سال ۱۸۲۳ توسط جیمز مونرو رئیس‌جمهور وقت آمریکا اعلام شد در زمان خود واکنشی به رقابت قدرت‌های اروپایی بر سر مستعمرات قاره آمریکا بود. اما آنچه در ابتدا به‌عنوان «هشدار به اروپا» مطرح شد، به‌تدریج به ابزار توجیه سلطه آمریکا بر آمریکای لاتین تبدیل شد. امروز، استناد ترامپ به این دکترین برای توجیه اشغال عملی ونزولا نشان می‌دهد که آمریکا نه‌تنها از آن منطق عبور نکرده، بلکه آن را عریان‌تر و خشن‌تر از گذشته به کار گرفته است

دکترین مونرو؛ از ادعای دفاع تا ابزار سلطه

درسامیر ۱۸۲۳، جیمز مونرو در نطق سالانه خود در کنگره اعلام کرد که قاره آمریکا دیگر عرصه مشروعی برای استعمار یا مداخله قدرت‌های اروپایی نیست. در مقابل، آمریکا نیز متعهد شد در امور داخلی اروپا مداخله نکند. این اعلامیه در ظاهر بر اصل تفکیک حوزه‌ها استوار بود اما در عمل یک پیام روشن داشت: آمریکا خود را قیم سیاسی نیم‌کره غربی می‌داند.در آن مقطع تاریخی، آمریکا هنوز قدرتی نوبا بود و توان نظامی گسترده‌ای نداشت. اما با گذر زمان و گسترش قدرت اقتصادی و نظامی، دکترین مونرو از یک موضع دفاعی به یک سیاست تهاجمی تبدیل شد. این دکترین دیگر به‌معنای «دور نگه داشتن اروپا» نبود، بلکه به معنای «انحصار آمریکا» بر سرنوشت ملت‌های آمریکای لاتین تعبیر شد. این تغییر معنا به‌ویژه از اوایل قرن بیستم، مسیر مداخلات بی‌پایان واشنگتن را هموار کرد و آمریکای لاتین را به آزمایشگاه کودتاها، اشغال‌ها و تحریم‌ها بدل ساخت.نقطه عطف خطرناک در تاریخ دکترین مونرو، سال ۱۹۰۴ بود؛ زمانی که تئودور روزولت رئیس‌جمهور وقت آمریکا آنچه به «هشتم روزولت» معروف شد را به این دکترین افزود. او اعلام کرد که آمریکا این حق را برای خود قائل است که برای جلوگیری از مداخله اروپا، مستقیماً در کشورهای آمریکای لاتین دخالت کند. به بیان ساده، واشنگتن خود را پلیس منطقه معرفی کرد. این منطق، دقیقاً پس از بحران بدهی ونزولا در سال‌های ۱۹۰۲ و ۱۹۰۳ شکل گرفت؛ زمانی که چند کشور اروپایی برای وصول مطالبات خود ونزولا را محاصره کردند. آمریکا نه برای دفاع از حاکمیت ونزولا، بلکه برای حذف رقبای اروپایی وارد میدان شد

از آن پس اشغال جمهوری دومینیکن، هائیتی، نیکاراگوئه و ده‌ها مداخله مستقیم و غیرمستقیم دیگر همگی با استناد به همین منطق صورت گرفت. دکترین مونرو به‌تدریج به چتری سیاسی بدل شد که زیر آن، هر نوع نقض حاکمیت مشرووع جلوه داده می‌شد قرن بیستم؛ آمریکای لاتین به‌مثابه حیاط خلوت در طول قرن بیستم دکترین مونرو نه‌تنها کنار گذاشته نشد بلکه به‌روز شد. در دوران جنگ سرد، واشنگتن با استناد به «مقابله با کمونیسم»، دولت‌های منتخب را سرنگون کرد، دیکتاتوری‌ها را تقویت کرد و جنگ‌های نیابتی به راه انداخت. کودتای شیلی علیه سالوادور آلنده، حمایت از حکومت‌های نظامی در آرژانتین و برزیل، پشتیبانی از جوخه‌های مرگ در السالوادور و گواتمالا و جنگ‌های ویرانگر در نیکاراگوئه، همگی حلقه‌هایی از زنجیره‌ای بودند که با دکترین مونرو مشروعیت می‌یافتند. در دهه هشتاد، رونالد ریگان این سیاست را با شدت بیشتری دنبال کرد. حمایت از گروه‌های مسلح

نظامی مستقیم زد

این ائتلاف اعلام کرد که تجهیزات و خودروهای نظامی منتقل‌شده از بندر فجیره امارات به بندر المکلا در یمن را هدف حملات هوایی قرار داده است که نشان‌دهنده عمق شکاف و تنش میان دو متحد پیشین است. هم‌زمان در عرصه دیپلماتیک، وزارت خارجه عربستان با تأکید بر اینکه امنیت ملی این کشور «خط قرمز» محسوب می‌شود، هشدار جدی صادر کرد که هرگونه تهدید در مرزهای جنوبی را با اقدامات قاطع پاسخ خواهد داد. ریاض همچنین امارات را متهم کرد که نیروهای شورای انتقالی جنوب را برای انجام عملیات نظامی در استان‌های شرقی یمن (حضر موت و المهیره) تحریک کرده است؛ اتهامی که نشانگر نگرانی عمیق عربستان از نفوذ امارات در مناطق استراتژیک هم‌مرز با خود و تلاش برای تغییر موازنه قدرت در جنوب یمن است، هرچند ابوظبی این اتهامات را رد کرده است

تغییر معادله قدرت در شبه جزیره عربستان

اما در روزهای اخیر با اعلام پایان مأموریت امارات متحده عربی در یمن، اگرچه در ظاهر پیامد مستقیم بمباران محموله‌های تسلیحاتی در بندر مکلا و ضرب‌الاجل قاطع دولت قانونی یمن بود، اما در تحلیلی عمیق‌تر، نشان‌دهنده تغییرات بنیادین در معادلات قدرت شبه‌جزیره عربستان است. با بهره‌گیری از «نظریه‌های مطالعات منطقه‌ای» و به‌ویژه مفهوم «مجموعه امنیتی منطقه‌ای»، رفتار ابوظبی نه یک تصمیم صرفاً نظامی، بلکه واکنشی اجتناب‌ناپذیر به فشارهای ساختاری سیستم تلقی می‌شود. گسترش نفوذ نیابتی امارات در عمق استراتژیک حضرموت و المهیره، موازنه قوا را به نحوی برهم زد که عربستان سعودی آن را تهدیدی وجودی علیه امنیت ملی خود پنداشت. واکنش سخت ریاض نشان داد که هزینه حفظ نفوذ منطقه‌ای برای ابوظبی از منافع آن پیشی گرفته است

بنابراین این عقب‌نشینی را می‌توان نوعی «موازنه نرم» برای جلوگیری از تبدیل رقابت تاکتیکی به یک خصومت راهبردی در سطح منطقه دانست. این رخداد شورای انتقالی جنوب را در برابر خلا ناگهانی قدرت و فقدان چتر حمایتی قرار داده و اثبات کرد که در زیرسیستم امنیتی خلیج فارس، پیگیری پروژه‌هایی که با منافع بازیگر هژمون در تضاد باشد، ناپایدار و محکوم به تعدیل است

آخرین تحولات میدانی

از سویی دیگر گزارش‌های میدانی اخیر اما پرده از هزینه‌های



۴مسیر آمریکا برای اشغال گرینلند

دونالد ترامپ رئیس‌جمهور آمریکا توجه ویژه‌ای به جزیره گرینلند دارد و این علاقه محدود به ابراز نظر سیاسی نیست، با تشدید تنش‌ها در وونزولا و اجرای عملیات نظامی سریع علیه این کشور، بار دیگر ایده پیوستن گرینلند به آمریکا مطرح شده و تحلیلگران اروپایی این موضوع را جدی تلقی می‌کنند.

ترامپ بارها اعلام کرده است که آمریکا به جزیره نیاز دارد و این امر را ناشی از تهدیدات ناشی از افزایش حضور روسیه و چین در اطراف قطب شمال می‌داند. این رویکرد نفوذ به گرینلند شدت یابد و برخی مسئولان همچون استیون میلر مشاور امنیت داخلی به صراحت درباره مشروعیت حاکمیت دانمارک بر جزیره سوال کنند و اشاره داشته‌اند که هیچ‌کس حاضر به جنگ با آمریکا برای آینده گرینلند نخواهد بود.

اهمیت گرینلند و قطب شمال

گرینلند به دلیل موقعیت جغرافیایی و منابع طبیعی خود اهمیت استراتژیک بالایی دارد. نزدیکی به سواحل شرقی آمریکا، قابلیت نصب سامانه‌های هشدار زودهنگام موشکی و پتانسیل ایجاد پایگاه‌های هسته‌ای دوم در صورت وقوع جنگ با روسیه، جزیره را به نقطه‌ای کلیدی در امنیت ملی آمریکا تبدیل کرده است. همچنین با ذوب یخ‌های قطبی، مسیرهای حمل و نقل دریایی کوتاه‌تر و دسترسی به منابع طبیعی از جمله نفت، گاز و معادن حیاتی فراهم می‌شود که نه تنها اقتصاد جهانی را تحت تأثیر قرار می‌دهد بلکه قدرت ژئوپلیتیک گرینلند را افزایش می‌دهد.مسیرهای جدید دریایی مانند مسیر شمال غربی و مسیر دریای شمال باعث کاهش زمان حمل و نقل بین اروپا و شرق دور می‌شود و امکان دسترسی سریع‌تر به بازارها و منابع را فراهم می‌کند. چین و روسیه نیز در این منطقه حضور دارند و زیرساخت‌ها و پایگاه‌های خود را تقویت کرده‌اند. ترامپ، گرینلند را به عنوان عنصری کلیدی برای تضمین هژمونی آمریکا در قطب شمال می‌بیند و تلاش دارد از طریق تقویت حضور نظامی و اقتصادی خود، آینده سیاسی جزیره را به سمت منافع واشنگتن هدایت کند. موقعیت گرینلند در قطب شمال باعث شده که این جزیره برای کنترل مسیرهای حمل و نقل دریایی و دسترسی به منابع استراتژیک به مرکزی مهم در رقابت قدرت‌های بزرگ تبدیل شود.چین و روسیه سرمایه‌گذاری‌های خود را در این مناطق افزایش داده‌اند و آمریکا با تمرکز بر گرینلند تلاش می‌کند بر این رقابت‌ها مسلط شود. با توجه به اهمیت استراتژیک جزیره، ترامپ بارها تأکید کرده که این مکان برای امنیت ملی آمریکا ضروری است و حضور نظامی و اقتصادی آمریکا در آن می‌تواند نقش کلیدی در کنترل مسیرهای استراتژیک داشته باشد.اظهارات ترامپ درباره گرینلند با واکنش شدید اروپا مواجه شده و کشورهای اروپایی بر حمایت از حاکمیت دانمارک و استقلال جزیره تأکید می‌کنند. با این حال، نگرانی‌ها درباره احتمال اقدام یکجانبه آمریکا و تأثیر آن بر اتحاد نا‌تو ادامه دارد. تحلیلگران اروپایی بر این باورند که سناریوی اشغال مستقیم بعید است، اما تلاش آمریکا برای تغییر وضعیت سیاسی جزیره به نفع خود، طی دوره ریاست‌جمهوری ترامپ محتمل به نظر می‌رسد. اروپا هم‌زمان سعی دارد فشار دیپلماتیک بر واشنگتن وارد کند و از هر گونه اقدامی که می‌تواند ثبات سیاسی و امنیت منطقه را به خطر اندازد، جلوگیری کند.

استراتژی ترامپ و تشویق استقلال

ترامپ از دو مسیر برای رسیدن به اهداف خود استفاده می‌کند. نخست، ایجاد شکاف میان گرینلند و دانمارک و تشویق گرایش‌های استقلال‌طلبانه در جزیره است. تلاش برای جذب حمایت مستقیم مردم جزیره از طریق گفتگو و انتصاب نمایندگان ویژه آمریکا نشان می‌دهد که واشنگتن قصد دارد گرینلند را به‌عنوان یک بازیگر مستقل در تعاملات خود قرار دهد. دوم، ارائه توافقی‌های اقتصادی و نظامی مستقیم با جزیره موسوم به «توافق ارتباط آزاد» است که به آمریکا اجازه حضور نظامی و دسترسی به منابع استراتژیک را می‌دهد و در مقابل، تسهیلات اقتصادی و معافیت‌های تجاری به جزیره اعطا می‌شود. این مسیرها به ترامپ امکان می‌دهد از ابزارهای مستقیم و غیرمستقیم استفاده کند و نفوذ خود را در گرینلند تثبیت کند.هدف اصلی مردم گرینلند حفظ استقلال است و ۸۵ درصد از جمعیت با پیوستن مستقیم به آمریکا مخالفت دارند. با این حال برداشت‌ها از فرصت‌های اقتصادی متفاوت است و نزدیک به نیمی آن را تهدید و بخشی دیگر آن را فرصت می‌دانند. موقعیت مذاکرات به توانایی رهبران گرینلند در بهره‌برداری از توجه ترامپ و ایجاد فشار به دانمارک بستگی دارد و این می‌تواند مسیر جزیره را به سوی کسب امتیازات گسترده‌تر و تقویت استقلال هموار کند. مردم گرینلند با توجه به منافع اقتصادی، موقعیت ژئوپلیتیک و حضور قدرت‌های بزرگ در منطقه، محتاطانه نگاه می‌کنند و تصمیمات آن‌ها نقش مهمی در شکل دهی به آینده سیاسی و اقتصادی جزیره خواهد داشت.روزنامه تایمز در گزارشی به چهار مسیر اصلی که واشنگتن ممکن است برای دستیابی به کنترل گرینلند دنبال کند اشاره کرده است. نخستین مسیر، استفاده از نیروی نظامی مستقیم است. از نظر توان نظامی، آمریکا قادر است جزیره‌ای با جمعیت اندک مانند گرینلند را بدون مقاومت جدی تصرف کند، اما این گزینه خطرات زیادی دارد و ممکن است به فروپاشی نا‌تو و تشدید رقابت‌های روسیه و چین در منطقه منجر شود. دومین مسیر اعمال فشار اقتصادی و سیاسی است. ترامپ با در اختیار داشتن منابع مالی وسیع می‌تواند از این ابزار برای ترغیب مردم و دولت گرینلند استفاده کند و وعده سرمایه‌گذاری میلیاردری در اقتصاد وابسته به ماهیگیری و کمک‌های دانمارک را ارائه دهد. در همین چارچوب، آمریکا با افتتاح کنسولگری و ارائه کمک‌های آموزشی و توسعه‌ای تلاش کرده است که حمایت محلی را جلب کند و همزمان، اتهاماتی درباره تشویق گرایش‌های استقلال‌طلبانه مطرح شده است.مسیر سوم ایجاد ارتباط آزاد با توافقی مشابه قراردادهای آمریکا با جزایر قیانتوس آرم است که در آن جزیره از استقلال ظاهری برخوردار می‌شود اما ارزش کامل فعالیت در آن را دارد و از مزایای تجاری گسترده برخوردار می‌شود. این گزینه به موافقت پارلمان دانمارک نیاز دارد و دانمارک تلاش دارد از آن اجتناب کند. مسیر چهارم استفاده هم‌زمان از چند ابزار است. در این حالت، دانمارک می‌تواند حاکمیت اسمی خود را حفظ کند و آمریکا حضور نظامی و مزایای اقتصادی دریافت کند، به‌گونه‌ای که ترامپ با تاکتیک تجاری خود سقف مطالبات را افزایش دهد و حتی اگر به تمام اهداف اولیه نرسد، باز هم بخش زیادی از آنچه می‌خواهد به دست آورد.

بازار مسکن در سایه نوسانات ارزی

روی ادامه داد: در صورت تداوم شرایط فعلی بازار ارز، این احتمال وجود دارد که آثار روانی فعلی به تدریج به افزایش واقعی قیمت‌ها در بازار مسکن تبدیل شود و بازار با یک جهش قیمتی جدید مواجه شود

بافرو اظهار کرد: پیش‌تر نیز جهش قیمتی در بازار مسکن را پیش‌بینی کرده بودیم، اما اکنون آن مقطع امکان تعیین زمان دقیق برای وقوع آن وجود ندارد. اکنون می‌توان با تعیین گشت که در صورت عدم تحقق ریزش ۲۵ تا ۴۰ درصدی نرخ ارز، این جهش قیمتی تا پایان سال به‌طور قطعی رخ خواهد داد. فضای روانی حاکم بر بازار به‌گونه‌ای شکل گرفته که خریداران ناچار هستند هم‌این جالب نظر فروشندهان، پیشنهادهای اغواکننده‌تری ارائه دهند و برای پیشنهادها به‌تدریج به یک پایه قیمتی جدید در بازار مسکن تبدیل خواهد شد.

کاهش ۱۳ درصدی تولید؛ زمینه‌ساز موج دوم گرانی

مدیرعامل اتحادیه تعاونی‌های عمرانی تهران ادامه داد: از سوی رنجوری، کردی، که در یک تا دو سال اخیر در بازار مسکن وجود داشته، منجر به کاهش تولید مسکن شده است. بر اساس گزارش‌های رسمی بانک مرکزی نیز شاهد کاهش حدود ۱۲.۹ درصدی، یعنی نزدیک به ۱۳ درصد تولید مسکن بودیم که در این موضوع به‌طور طبیعی آثار خود را بر کاهش عرضه و به‌رغم خورن نسبت عرضه و تقاضا خود گذشت

وی تأکید کرد: این وضعیت می‌تواند در بلندمدت و احتمالاً در اواسط سال آینده، منجر به شکل‌گیری موج دوم افزایش قیمت‌ها در بازار مسکن شود. بنابراین پیش‌بینی‌های فعلی ما دیگر صرفاً یک نیست و بر اساس زمان وقوع این تحولات انجام می‌شود. در شرایط فعلی، املاک زیر ۱۰ میلیارد تومان در شهر تهران عملاً به انصراف فروشنده‌گان از فروش مواجهه شدند؛ در حالی که بیشترین حجم تقاضا بین دقایق در همین بازه قیمتی متمرکز است. این واحدها عمدتاً از مناطق میانی شهر تهران به سمت مناطق جنوبی قرار دارند. با فروپاشی بازار رشد به وجود افزایش تقاضا، معاملات در این بخش از بازار عمدتاً به دلیل توقف از سوی فروشنده‌گان انجام نمی‌شود. در مقابل، در واحدهای با قیمت‌های بالاتر هنوز تحول محسوس در بازار مشاهده نمی‌شود، اما بدون تردید به این اندک تأخیر، موج افزایش قیمت به این بخش از بازار نیز سرایت خواهد کرد. در شرایط عادی، نوسانات نرخ ارز معمولاً با یک وقفه چندماهه اثر خود را در بازار مسکن نشان می‌دهد، اما امروز به دلیل غیرمتعارف بودن شدت و سرعت نوسانات ارزی، این تأثیرگذاری با فاصله زمانی کوتاه‌تری در حال وقوع است. این مقام صنفی با انتقاد از نوسانات بازار ارز، تأکید کرد: نوسانات روزانه بازار، اساساً منطقی و معقول نیست و چنین تلورانسی در هیچ بازار باثباتی قابل پذیرش به شمار نمی‌رود. همان‌گونه که اشاره شد، کاهش ۳۵ تا ۴۰ درصدی نرخ ارز رخ دهد، در نتیجه ستادسودهای دیپلماتیک کشور و چه در پی تحولات منطقه‌ای مانند توقف جنگ اوکراین و روسیه که می‌تواند به ریزش قیمت طلا

خسایار باقرپور، مدیرعامل اتحادیه تعاونی‌های عمرانی تهران با اشاره به تأثیر نوسانات نرخ ارز بر بازار مسکن، گفت: در بررسی تحولات بازار ارز و اثرگذاری آن بر بازار مسکن، ما با دو پیامد اصلی مواجه هستیم که یکی مربوط به کوتاه‌مدت و دیگری مربوط به بلندمدت است.

وی افزود: در فاز نخست و در دو کوهامدت، تأثیر اصلی نوسانات آرزو، تأثیرات روانی است؛ به این معنا که بدون آنکه از راه تغییر قیمتی مشخصی در بازار مسکن رخ دهد، فضای بازار بارشده شود و مشتریان ملتهب می‌شود. البته باید میانه یک روند افزایشی نرمال در بازار از موج‌های افزایشی شدید و غیرعادی، مانند آنچه در هفته‌های اخیر شاهد آن بودیم، تفاوت قائل شد؛ چراکه آثار این دو وضعیت کاملاً متفاوت است.

مدیرعامل اتحادیه تعاونی‌های عمرانی تهران تصریح کرد: تجربه سال‌های گذشته نشان می‌دهد هر زمان که نرخ ارز به‌صورت غیربیبی و مہارشدنی افزایش پیدا می‌کند، نخستین پیامد آن، بروز اشتفتی در بازارهاست. در چنین شرایطی، همان‌طور که در بازارهایی مانند موبایل، مصالح ساختمانی و سایر بازارها نیز مشاهده شد، فروشنندگان دچار تعدیل در فروش می‌شوند.

وی یادآور شد: پیش‌تر نیز پیش‌بینی کرده بودیم که بخشی از جامندگان بازار ارز و طلا به سمت بازار مسکن حرکت خواهند کرد. اکنون این گروه احساس عقبماندگی بیشتری می‌کند و اگر براساس میدانی انجام شود، مشخص است که میزان مراجعه به دفتر امری به‌طور محسوسی افزایش یافته است. با این حال، اتفاقی که در عمل رخ داده این است که فروشنده‌ها به دلیل شرایط موجود دچار تردید شده‌اند و در بسیاری از موارد از امضای قراردادها خودداری می‌کنند. علت اصلی این رفتار آن است که فروشنده‌ها نگران هستند پس از فروش ملک، نتوانند دارایی خود را به شرایط جدید جایگزین کنند یا وجه دریافتی را در سایر بازارها به کار بگیرند.

باقربور بیان کرد: توقف و ایست بازارهای موازی و تغییرات سریع قیمت‌ها باعث شده فروشندگان احساس نااطمینانی داشته باشند و نتوانند اهداف مالی خود را دنبال کنند. به همین دلیل، امروز بازار مسکن بیش از آنکه از افزایش واقعی قیمت‌ها آسیب ببیند، از آثار روانی نوسانات نرخ ارز متاثر شده است.

مدیرعامل اتحادیه تعاونی‌های عمرانی تهران گفت: توقف معاملات مسکن عمدتاً ناشی از تردید و انصراف فروشندگان است که پیش‌تر در بازار فعال بودند. این در حالی است که بسیاری از پیش‌فروشنده‌ها که حتی دو تا چهار ماه در انتظار مشتری بودند، امروز حداقل یک یا دو متقاضی جدی دارند، اما خودشان به دلیل شرایط موجود تمایلی به فروش نشان نمی‌دهند. بدون تردید، در بلندمدت همین آثار روانی می‌تواند به تغییراتی قیمتی در بازار مسکن منجر شود. اگر نرخ ارز با یک ریزش جدی مواجه نشود، منظور از ریزش بیش از حد حداقل ۳۰ تا ۴۰ درصدی است، باید انتظار داشت موج افزایشی شدید در قیمت مسکن شکل بگیرد.

آخرین وضعیت ذخایر خون کشور

اهدای خون یکی از ساده‌ترین و در عین حال مؤثرترین راه‌های برای نجات جان انسان‌ها است. در جهانی که هر لحظه ممکن است فردی به دلیل سانحه، جراحتی یا بیماری‌های خاص به خون نیاز پیدا کند، این عمل انسان‌دوستانه کمک بزرگی می‌کند.

آیا وضعیت ذخایر خونی کشور مطلوب است؟ یکتاپرست: ذخایر خونی کشور در حال حاضر در سطح مطلوبی قرار دارد و پاسخگوی نیاز مراکز درمانی است. با این حال، برخی مناطق کشور به دلیل شرایط خاص جمعیتی و درمانی با چالش‌های ویژه‌ای در تأمین خون و فرآورده‌های خونی مواجه هستند. استانی‌هایی مانند سیستان و بلوچستان به دلیل الگوی مصرف خاص، نیاز مستمر و بالایی به خون دارند. در این استان حدود ۲۵۰۰ بیمار مبتلا به تالاسمی زندگی می‌کنند که هر یک به‌صورت ماهانه باید دو واحد خون یا فرآورده خونی دریافت کنند. این موضوع باعث شده است که به‌طور ثابت، ماهانه حدود ۷ هزار واحد خون برای این بیماران تأمین شود.

با وجود برنامه‌ریزی برای تأمین این میزان خون، در برخی مقاطع، حوادث ناگهانی و شرایط اورژانسی باعث برهم خوردن توازن ذخایر خونی می‌شود. از جمله این موارد می‌توان به حوادث ترافیکی در سطح استان اشاره کرد که به دلیل شرایط خاص جاده‌ها، گاهی با تصادف‌های همراه است که تعداد بالایی مصدوم دارند. در چنین شرایطی، مراکز درمانی ناچار می‌شوند از خون‌هایی که برای بیماران خاص، از جمله بیماران تالاسمی، رزرو شده بود استفاده کنند. در مواردی گزارش شده است که به دلیل ورود ناگهانی مصدومان متعدد به یک بیمارستان، از واحد خونی که برای یک کودک مبتلا به تالاسمی در نظر گرفته شده و تنها یک واحد به بیمار اختصاص یافته و واحد دیگر برای موارد اورژانسی مصرف شده است. این تصمیم‌ها با هدف مدیریت بحران و نجات جان بیماران انجام می‌شود، اما فشار مضاعفی بر چرخه تأمین خون وارد می‌کند.

همچنین نمونه‌هایی از بارداری‌های پرخطر و خونریزی‌های شدید حین زایمان نیز شده که در آن‌ها حتی تا ۹ کیسه خون و ۹ واحد فرآورده پلاکت برای یک بیمار مصرف شده است. در این موارد موضوع با پزشک معالج مطرح شده و گزارش دقیق تعداد واحد‌های مصرفی خون و فرآورده‌ها تهیه و بررسی شده است. چنین اتفاقات ناگهانی، به‌طور مطلق تعادل ذخایر خونی را برهم می‌زند. علاوه بر سیستم بولچستان، استان مازندران نیز شرایطی مشابه دارد. در این استان نیز هم تعداد بیماران زایمانند به خون بالایی و هم آمار حوادث ترافیکی قابل توجه است. این عوامل باعث شده است که سازمان مازندران نیز در زمره استان‌هایی قرار گیرد که تأمین پایدار خون و فرآورده‌های خونی در آن‌ها با دشواری‌هایی همراه است.

در مجموع، اگرچه وضعیت کلی ذخایر خونی کشور مطلوب ارزیابی می‌شود، اما شرایط خاص برخی استان‌ها نشان می‌دهد که مدیریت مصرف، تأمین مستمر خون و آمادگی برای شرایط اورژانسی همچنان از اولویت‌های مهم نظام سلامت و سازمان انتقال خون کشور به شمار می‌رود.

آخرین وضعیت ذخایر خون کشور؛ چرا بعضی استان‌ها همیشه در وضعیت هشدارند؟

وضعیت تأمین خون در تهران چگونه است؟

یکبارپست تأمین خون و فرآورده‌های خونی در برخی استان‌ها، به‌ویژه تهران، شرایطی کاملاً استراتژیک دارد. تهران به دلیل تعداد بالای مراکز درمانی و ارائه خدمات فوق تخصصی در حوزه‌های مختلف پزشکی، نقش حیاتی در مصرف خون و فرآورده‌های خونی ایفا می‌کند

در این استان، بسیاری از جراحی‌های پیشرفته انجام می‌شود که نیاز بالایی به خون دارند به‌عنوان مثال، عمل جراحی پیوند قلب که امروز به‌عنوان یکی از دستاوردهای مهم پزشکی شناخته می‌شود، در هر نوبت به‌طور متوسط به تا ۱۵ و ۲۰ واحد خون نیاز دارد. این بدان معناست که برای نجات جان یک بیمار، حدود ۱۵ تا ۲۰ نفر باید خون اهدا کنند. علاوه بر پیوند قلب، پیوند کلیه و سایر جراحی‌های پیوند اعضا نیز از جمله مواردی هستند که مصرف بالایی از خون و فرآورده‌های خونی دارند در برخی موارد، به دلیل درگیر بودن هم‌زمان قلب و ریه دهنده و فرد گیرنده در پیوند کلیه، میزان مصرف خون حتی از پیوند قلب نیز فراتر می‌رود؛ گاهی برای انجام یک عمل جراحی پیوند، تا ۳۰ واحد خون از یک گروه خونی خاص به‌صورت هم‌زمان مصرف می‌شود. این حجم بالای مصرف، به‌ویژه زمانی که مربوط به گروه‌های خونی خاص و کمیاب باشد، می‌تواند استوار ذخایر خونی را به‌رمز کند. در چنین شرایطی، ممکن است تولید سایر گروه‌های خونی در وضعیت مطلوب قرار داشته باشد، اما مصرف ناگهانی ۳۰ واحد تا ۴۰ واحد خون از یک گروه خونی مشخص، کل فرآیند مدیریت ذخایر را با چالش مواجه کند. ساز سوی دیگر، موضوع فرآورده‌های خونی خاص نیز پیچیدگی تأمین خون را افزایش می‌دهد. از هر واحد خون اهدایی، معمولاً سه فرآورده خونی استخراج می‌شود که هر کدام می‌تواند جان یک بیمار را نجات دهد. این فرآورده‌ها شامل پلاسما، گلبول قرمز و پلاکت هستند. پلاسما قابلیت فریز شدن دارد و می‌توان آن را تا شش ماه نگهداری کرد. برخی دیگر از فرآورده‌ها نیز تا حدود ۳۵ روز قابلیت نگهداری دارند. اما یکسای شرایط کاملاً متفاوتی در حجم آن بسیار کم و حدود ۵۰ تا ۱۰۰ واحد است و تنها سه روز امکان نگهداری دارد. یکسای فقط از خون تازه تهیه می‌شود و پس از این مدت کوتاه، دیگر قابل استفاده نیست. پلاکت عمدتاً برای بیماران سرطانی و بیماران مبتلا به اختلالات انعقادی مصرف می‌شود. در بسیاری از موارد، یک بیمار سرطانی در هر نوبت بستری ممکن است تا ۱۰ واحد پلاکت نیاز داشته باشد. این به معنای فرآوری خون ۱۰ اهداکننده مختلف برای تأمین نیاز یک بیمار است؛ این هم در شرایطی که فرآورده تولیدشده تنها سه روز ماندگاری دارد. تأمین خون و فرآورده‌های خونی در تهران به دلیل تمرکز جراحی‌های پیچیده، مصرف بالای گروه‌های خونی خاص و محدودیت نگهداری برخی فرآورده‌ها، فرایندی بسیار حساس و پیچیده است؛ فرایندی که نیازمند برنامه‌ریزی دقیق، مشارکت مستمر اهدان‌ندگان خون و آمادگی دائمی برای شرایط پیش‌بینی‌نشده درمانی

است



منجر شود، بخش قابل توجهی از سرمایه‌ها در بازار دلار و طلا خارج خواهد شد و به سمت بازار مسکن و به‌طور کلی املاک سرریز می‌شود. مدیرعامل اتحادیه تعاونی‌های عمرانی تهران ادامه داد: با این تفاوت که این کاهش قیمت ارز الزاماً به کاهش محسوس قیمت مسکن منتهی نخواهد شد و احتمالاً تنها مانع از جهش شدید قیمت‌ها در این بازار می‌شود

وی در پاسخ به پرسشی درباره خروج سازندگان از کشور و سرمایه‌گذاری در کشورهای همسایه، گفت: هر فعال اقتصادی، چه تولیدکننده، چه بازرگان و چه فعال حوزه مسکن، صنعت یا خدمات، ترجیح می‌دهد در یک فضای آرام و قابل پیش‌بینی اقتصادی فعالیت کند. در شرایط فعلی، فضای بازار مسکن کشور به هیچ عنوان مستعد فعالیت نیست.

باقی‌رور تصریح کرد: بدون قصد سیاه‌نمایی باید این واقعیت را بپذیریم که هیچ‌یک از پروژه‌های در حال ساخت کشور با اعداد و ارقامی که در ابتدای کار برای آن‌ها برنامه‌ریزی شده بود، به پایان نخواهد رسید. این موضوع یک تهدید جدی هم برای سازندگان و هم برای مردمی است که در این پروژه‌ها پیش‌خرید، مشارکت یا سرمایه‌گذاری کرده‌اند

افزایش هزینه ساخت؛ بازگشت ناپذیری قیمت نهاده‌ها
وی افزود: تجربه نشان داده است که افزایش قیمت نهاده‌ها
ساخت و سازی در اثر نوسانات ارزی، حتی با کاهش نرخ ارز نیز به
قیمت‌های قبلی بازمی‌گردد و همین مسئله، پایه هزینه تمام‌شده
تولید مسکن را به‌طور دائمی افزایش می‌دهد.
مدیرعامل اتحادیه تعاونی‌های عمرانی تهران گفت: تأسیسات پارت آن
است که به نظر می‌رسد دولت از رکود حاکم بر تولید و بازار
مسکن چندان ناخوشود نیست و حتی به نوعی به این وضعیت
دامن می‌زند. این در حالی است که با وجود تأکیدهای مکرر و
حتی نام‌گذاری شعار سال توسط مقام معظم رهبری در سال‌های
متوالی، تولید مسکن همواره تحت تأثیر فضای روانی حاکم بر
جامعه، روندی نزولی داشته و آمار تولید در این حوزه به‌شدت
کاهش یافته است.



آخرین وضعیت ذخایر خون کشور؛ چرا بعضی استان‌ها همیشه وضعیت هشدار زردنیکتر است: در حوزه تمام کشور و فرآورده‌های خونی ما سوجی از اخبار یا این مضمون منتشر می‌شود که «فان فلان شهر یا منطقه خون وجود ندارد»، این در حالی است که چنین اخباری الزاماً به معنای کمبود کلی خون نیست و در بسیاری از موارد، کمبود مربوط به یک فرآورده خونی خاص مانند پلاکت است، نه خود خون. یا سایر فرآورده‌های خونی باسلاما

ممکن است در یک شهر یا منطقه، از یک گروه خونی مشخص میزان پلاسما یا حتی پلاکت بیش از نیاز وجود داشته باشد، اما هیزمان با کمبود فرآورده پلاکت مواجه باشند. با این حال، در اطلاعاتی‌های عمومی، همه این موارد به‌طور کلی تحت عنوان «کمبود خون» مطرح می‌شود که هیچ موضوعی می‌تواند نگرانی و اضطراب عمومی در میان شهروندان ایجاد کند.

خون و فراورده‌های خونی به‌عنوان مایع حیاتی، اساسیت بالایی در افکار عمومی دارند به‌عنوان نمونه، اگر در شهری اعلام شود که ذخیره ارد تنها برای دو روز باقی مانده است، شوک روانی قابل توجهی به شهروندان وارد می‌شود. در حوزه خون نیز انتشار اطلاعات غیرتخصصی و غیرحرفه‌ای می‌تواند به‌بهرترس‌های آزارش ذهنی جامعه را به دنبال داشته باشد. ذخیره خونی، یک داده استراتژیک محسوب می‌شود و در بیان آن اهمیت زیادی دارد. همان‌طور که هیچ مجموعه‌ای در برابر ذخایر راهبردی خود اطلاع‌رسانی هیجانی و خام انجام نمی‌دهد، در حوزه خون نیز بیان نادرست وضعیت ذخایر می‌تواند پیامدهای اجتماعی داشته باشد. خوشبختانه در سال‌های اخیر، موضوع ذخایر خون رسانه‌ها در این زمینه افزایش یافته و درک اهمیت موضوع ذخایر خون بیشتر شده است.

بر اساس اعلام متولیان امر، وضعیت تأمین خون و فراورده‌های خونی در شرایط عادی مطلوب است اما به‌خاطر بازه‌های زمانی فصلی طبیعی در میزان اهدای خون تأثیر می‌گذارد. به‌عنوان مثال، در کشور زمستان با سرد شدن هوا و کوتاه شدن طول روز، تمایل مردم به حضور در خانه بیشتر می‌شود و فعالیت‌های اجتماعی کاهش می‌یابد. اهدای خون نیز به‌عنوان یکی از فعالیت‌های داوطلبانه و عام‌المنفعه تحت تأثیر همین شرایط قرار می‌گیرد



روایت ۲۳ سال انتظار

سال‌های پایانی دهه ۴۰ شمسی برای صنعت نفت ایران، دوراهی آمیخته از توسعه، بلندپروایی و تحولات راهبردی بود. آغاز صادرات نفت به اتحاد جماهیر شوروی، احداث آب‌پاشگاه به‌پهرمرداری از میدان نفتی کویا، توسعه بخشی از رویدادهایی بود که پیش‌زمینه می‌داد ایران در حال تثبیت موقعیت خود به‌عنوان یکی از بازیگران مهم انرژی در منطقه است. اما در میان تمام این تحولات، کشف میدانی عظیم در آبهای مشترک ایران و قطر، رویدادی بود که نه‌تنها صنعت نفت ایران، بلکه بازیگران گازی را تحت تأثیر قرار داد. در بهار سال ۱۳۵۰، میدان نفتی حادو مشترکی در آبهای خلیج فارس کشف شد. شناسایی شد که مساحت آن امروز حدود ۹۷۰۰ کیلومتر مربع برآورد می‌شود. از این میزان، ۶۰۰۰ کیلومتر مربع در آبهای سرزمینی قطر و ۳۷۰۰ کیلومتر مربع در آبهای سرزمینی ایران قرار دارد. این میدان در ایران «پارس» و «جنوب» و در قطر «کبند شمالی» نام گرفته؛ میدانی که بعدها به بزرگ‌ترین منبع گازی اسفند شده‌است تبدیل شد.

برآورده‌ها نشان می‌دهد حجم ذخایر دریای گاز طبیعی این میدان حدود ۱۱۰۰ میلیارد مترمکعب و ذخایر قابل برداشت آن نزدیک به ۳۶ میلیارد مترمکعب است. براساس برآورد ۸ درصد کل ذخایر گاز جهان، بخش ایران، پارس جنوبی اهمیت ویژه‌ای را در میان گازی دارد؛ به‌طوری‌که برای ایران، پارس جنوبی نزدیک به نیمی از کل ذخایر گاز کشور را در خود جای داده و ستون اصلی تأمین گاز، خوراک پتروشیمی‌ها و تولید برق محسوب می‌شود. با این حال، مسیر توسعه این میدان به‌ویژه در بخش‌های مرزی، مسیری هوار و بدون وقفه خواهد بود.

۱۸ سال فاصله تا برداشت و آغاز رقابت نابرابر
اگرچه میدان پارس جنوبی در سال ۱۳۵۰ کشف شد، اما بهرمرداری از آن
بهمیزه در بخش ایرانی، با تأخیر قابل توجهی همراه بود. قطر در سال ۱۳۶۸
بهرمرداری از این میدان مشترک را آغاز کرد، در حالی که ایران به‌دلیل وقوع
جنگ تحمیلی، محدودیت‌های شدیدی مالی و پیچیدگی فنی پروژه، عملاً
امکان ورود جدی به توسعه این میدان را نداشت.

پس از پایان جنگ و در سال‌های ابتدایی دهه ۷۰ شمسی نیز شرایط اقتصادی کشور، اجازه سرمایه‌گذاری سنگین و سریع در چنین پروژه عظیمی را نداد. این وضعیت باعث شد فاصله‌ای ۱۸ میان زمان کشف میدان و آغاز برداشت قطر از آن شکل بگیرد؛ فاصله‌ای که بعدها به یکی از محورها اصلی نگرانی درباره رهاشدن نامتوان از میادین مشترک تبدیل شد.

در نهایت، با تشکیل شرکت نفت و گاز پارس در سال ۱۳۷۷ به‌عنوان یکی از شرکت‌های زیرمجموعه شرکت ملی نفت ایران، روند توسعه میدان پارس جنوبی شکل منسجم‌تری به خود گرفت. این میدان به ۲۸ فاز استاندارد تقسیم‌بندی شد که هر فاز توان تولید روزانه حدود یک میلیارد فوت مکعب گاز، ۴۰ هزار بشکه معیانات گازی را داشت. قراردادهای فازهای ۱ تا ۵ تا سال ۱۳۹۷ منتهی شد و نخستین فاز تولیدی ایران از این میدان در شهریور ۱۳۸۱ به ساحل رسید.

اما در میان همه فازهای پارس جنوبی، فاز ۱۱ جایگاهی متفاوت داشت؛ فاز ۱۱ که به دلیل قرار گرفتن در نقطه صفر مرزی ایران و قطر، از نظر فنی، سیاسی و اقتصادی حساس‌ترین بخش میدان محسوب می‌شود.

فاز ۱۱: از توتال تا چین، زنجیره‌ای از خروج
۱۱ پارس استندار در ظرفیت تولید روزانه ۵۶ میلیون مترمکعب گاز،
معادل دو سوم تولید را در مرکزین نقطه میدان جامنایی شد. فعالیت‌های
اولویه برای توسعه این فاز از سال ۱۳۹۶ آغاز شد و در همان سال، شرکت
ملی نفت ایران و توتال فرانسه تفاهنامه‌ای برای توسعه بخش لاس‌دستی
این فاز و همچنین احداث یک کارخانه تولید آل‌ان‌جی با ظرفیت حدود ۰
۱ میلیون تن امضا کردند.

مدتی بعد، شرکت پتروناس مالزی نیز به این پروژه پیوست و کنسرسیومی سسه‌جانبه با سهم ۵۰ درصدی شرکت ملی نفت ایران، ۴۰ درصدی توتال و ۱۰ درصدی پتروناس شکل گرفت. مطالعات فنی و مهندسی پروژه آغاز شد و تا سال‌ها ادامه یافت، اما زمانی که در سال ۱۳۸۵ نوبت به ارائه پیشنهادهای فنی و مالی رسید، اختلافات جدی بروز کرد.

افزایش قیمت جهانی فولاد، بالا رفتن هزینه‌های اجرای پروژه و در نهایت ارائه پیشنهاد مالی حدود ۱۰ میلیارد دلاری از سوی توتال، با مخالفت شرکت ملی نفت ایران مواجه شد. در نهایت، توتال در سال ۱۳۸۷ با آنچه «توجیه اقتصادی» عنوان می‌کرد، از پروژه کنار کشید و عملاً فاز ۱۱ را در وضعیت بلاتکلیف رها کرد.

در سال ۱۳۸۸، شرکت ملی نفت چین با ارائه پیشهاد مالی ۴ میلیارد دلاری وارد پروژه شد و قراردادی با شرکت ملی نفت ایران امضا کرد. طبق این قرارداد، موظف بود ظرف ۵۲ ماه فاز ۱۱ را به تولید برساند، اما این شرکت نیز پس از گذشت زمان قابل توجهی، بدون پیشرفت مؤثر، از ادامه کار انصراف داد.

هرچند درباره نقش تحریم‌های بین‌المللی در این خروج‌ها نمی‌توان به قطعیت اظهار نظر کرد، اما تردیدی نیست که فضای تحریمی و ریسک‌های سیاسی، در تصمیم‌برگشت‌های خارجی بی‌تأثیر نبوده است. بازگشت دوباره توتال و یاپان یک همکاری درخشانیه پس از ناکامی قراردادهای پیشین، در سال ۱۳۹۵ بار دیگر توتال با شرکتی جدید برای توسعه فاز ۱۱ وارد میدان شد. این بار قرارداد بر قالب الگوی جدید قراردادهای نفتی ایران، و با ارزش ۴٫۸ میلیارد دلار در تیرماه ۱۳۹۶ امضا شد. این کنسرسیوم، توتال با سهم ۵۰٫۱ درصد، با ۳۰ درصد پتروپارس و ۱۹٫۹ درصد حضور داشتند.

اما این همکاری نیز دیری نپایید. در مردادماه ۱۳۹۷ و پس از بازگشت به تهران، تحریریه‌ها، آمریکا، نوتال اعلام کرد که به‌بدلیل ناتوانی در دریافت معافیت از تحریریه‌ها، پروژه خارج می‌گردد. مسئولیت نوشتن فاز ۱۱ به واکگذار شد، اما، طرف چینی نیز در مهرماه ۱۳۹۸ پروژه را ترک کرد.

در این مقطع، پس از نزدیک به دو دهه کار و فرود، فاز ۱۱ به‌طور کامل به شرکت ایرانی تپوپراس واگذار شد؛ تصمیمی که آغاز فصل تازه‌ای در توسعه این پروژه مری می‌باشد.

قضاوت نکردم فقط نگاه کردم!



را مثل یک مهمان خاموش و بی‌طرف در فضای سوزها قرار دهم. بگذارم خودشان، با حرکاتشان، با سکوت‌هایشان، با آن خطاهایی که روی کاغذ می‌کشند، حرف بزنند. نمی‌خواستم تفسیر از پیش ساختاری را به خورد مخاطب بدهم. اما یک جایی، یک لحظه‌ای می‌رسد که تو به عنوان کارگردان، فقط یک ناظر خنثی نیستی. تو انتخاب می‌کنی؛ انتخاب اینکه کدام نما را بگیری، کجا کات بزنی، چه موسیقی‌ای را کنار این سکوت بنشانی. این‌جا همان جاست که صدای درونی من، ناخودآگاه وارد فیلم می‌شود.رزاقی‌زاده، در پاسخ به اینکه بزرگ‌ترین چالش فنی‌اش در ثبت لحظات کلیدی چه بوده و چگونه آن را مدیریت کرده است، عنوان کرد: چالش بزرگ این بود که در آن لحظات بی‌نهایت شکننده و رگ بین مادر و پسر – با ماجرای سنگین بهزیستی – حضور من و دوربین، فضاسازی طبیعی آنها را خراب نکند. نقطه شروع، خود آقای سپهری بود. من از در اعتمادی که از سوی آن خانواده برای من باز شده بود، وارد شدم و ادامه دادم؛ به شکلی که اول «فیق» شویم، بعد «فیلمساز»‌وی در پاسخ به پرسش دیگری مبنی بر اینکه برقراری ارتباط عمیق با سوزه (که احتمالاً تحت فشار یا درگیر یک نبرد درونی شخصی بود) چگونه شکل گرفت و چطور توانسته به جنبه‌های خصوصی و درونی او دست پیدا کند، گفت: اوتیسم دنیای بسته‌ای دارد و من نمی‌تونستم پیام و در بزمن، ارتباطم را با سکوت شروع کردم. زیاد حرف نزدم و فقط کنارشان بودم و گذاشتم خودشان راغب شوند و جلو بیایند. وقتی یک مادر از رنج حرف می‌زند یا پسر در حال کلنجار با دنیای درونی‌اش است، بهترین کار این است که فقط نگاه کنم و گوش بدهم، نه اینکه سؤال پیچش کنم. تنها کاری که من کردم، کنار گذاشتن قضاوت بود. سعی کردم نشان بدهم من اینجا هستم که بفهمم، نه اینکه قضاوت کنم. گاهی دوربین را خاموش می‌کردم و فقط با آنها چای می‌خوردم که مهم‌ترین حرف‌ها همان مواقع مطرح می‌شد. در آخر هم، فکر می‌کنم آنها در چشم‌های من یک آدم صبور دیدند؛ کسی که ادعا نمی‌کند همه چیز را می‌فهمد و همین، برای باز شدن در، کافی بود.کارگردان فیلم مستند «شنا خلاف جهت» درباره اینکه در طول فرآیند فیلمبرداری، آیا لحظه‌ای وجود داشت که مسیر روایت فیلم را به طور کامل تغییر دهد یا نگاهی‌اش را به سوزه دگرگون کند، توضیح داد: بله، دگر لحظه صاعقه‌وار دقیقاً وسط مسیر اتفاق افتاد. وقتی امید در یک استراحت بین فیلمبرداری، به آرامی و فقط به قصد درک بهتر رفتارم به من گفت: «تو خودت هم نشانه‌هایی داری انگار خودت هم در طیف هستی». آن لحظه همه چیز یخ زد. ناگهان فاصله امن «سوساز» و «سوزه‌ها» فرو ریخت. دیگر آن طرف دوربین نبود و خودم بخشی از همان دنیایی شده بودم که داشتم ثبتش می‌کردم. این موضوع مسیر فیلم را کاملاً تغییر داد؛ چراکه دیگر این فیلم فقط درباره «آنها» نبود. درباره «ما» بود. درباره این بود که گاهی کسی که فکر می‌کند از بیرون نگاهی‌ش می‌کنند، ناگهان تو را به آینه‌ای تبدیل می‌کند که خودت را در آن می‌بینی. فیلم تبدیل شد به یک سفر مشترک، یک کشف هم‌زمان و راستش، این همان چیزی است که فکر می‌کنم به فیلم عمق داده است؛ اینکه من دیگر فقط یک ناظر نبودم، بلکه یک «همسفر» بودم

اوتیسم یا اختلال طیف اوتیسم نوعی تفاوت عصبی‌رشدی است که بر درک، ارتباط، تعامل اجتماعی و رفتار فرد تأثیر می‌گذارد و معمولاً از دوران کودکی بروز می‌کند. فیلم مستند «شنا خلاف جهت» ساخته جواد رزاقی‌زاده سفری آرام و تأمل‌برانگیز به جهان درونی فردی مبتلا به اوتیسم و رابطه او با مادرش دارد. این اثر، با نگاهی انسان‌محور و هنری، نشان می‌دهد چگونه «هنر» می‌تواند به زبان ارتباط و نجات تبدیل شود؛ جایی که سکوت، معنا پیدا می‌کند و احساس، جای واژه‌ها را می‌گیرد. رزاقی‌زاده در این فیلم، به نقش رهایی‌بخش هنر در زندگی افراد دارای تجربه اوتیسم آسیب‌گر و اختلال‌های مشابه می‌پردازد و نشان می‌دهد که چگونه بیان هنری می‌تواند دریچه‌ای به سوی درک، ارتباط و امید باشد و با پرهیز از قضاوت و اغراق، زندگی این ۲ انسان را چنان صادقانه دنبال می‌کند که مخاطب نه فقط شاهد تفاوت‌ها، بلکه هم‌سفر جستجوی زیبایی و ارتباط در دل آن‌وا می‌شود.جواد رزاقی‌زاده کارگردان و تهیه‌کننده فیلم مستند «شنا خلاف جهت» در گفتگو با خبرنگار مهر درباره انتخاب سوزه این فیلم بیان کرد: تمام داستان از یک علاقه شخصی شروع شد؛ اینکه هنر چطور می‌تواند آدم‌ها را نجات بدهد؟ من در فیلم مستند «آسانسور» این موضوع را با فیلمتر سینما دیده بودم، ولی این بار می‌خواستم به سراغ ذهنیت‌هایی کاملاً متفاوت بروم. می‌خواستم ببینم آیا هنر می‌تواند تبدیل به یک زبان جهانی بشود؟ زبانی که نه کلمه دارد نه دستور، فقط احساس دارد و شاید همان احساس، تنها راه نجات از تهایی باشد. چیزی که من را متقاعد کرد این سوزه را به یک اثر مستند تبدیل کنم. یک تناقض زیبا بود: سوزه‌های من در انزوایی به ظاهر عمیق بودند اما هنری که امیدرضا خلق می‌کرد، پر از راهکار برای ارتباط بودوی درباره اینکه آیا این ایده از ابتدا به همین نام و مسیر مشخص بود یا در طول مسیر شکل گرفت، گفت: عنوان فیلم از همان لحظه اول، پیدا شد و دیگر راه‌یام نکرد. «شنا خلاف جهت» فقط یک عنوان نبود، انگار یک حقیقت هستنای بود که خودش را وسط ایده من کوید. از روز اول می‌دانستم دارم درباره چه چیزی فیلم می‌سازم اما در مورد مسیر و ساختار، جایی بود که من هم باید پایم را در همان آب می‌گذاشتم. من هم شاکر این جریان شدم. نقشه‌ای از پیش کشیده نشده بود و سعی کردم بگذارم فیلم، در حین ساختن، خودش را کشف کند و شکل بگیرد. مثل این بود که با سوزه‌هایم هم سفر شدم و با هم یاد گرفتیم که چطور این شنا را ادامه دهیم. در واقع، نام قطب‌نمای من بود اما مسیر را آب و جریان لحظه تعیین می‌کرد. کارگردان فیلم مستند «شنا خلاف جهت» درباره اینکه در این فیلم به چه جنبه‌های اجتماعی، روانی یا فلسفی نهفته فکر کرده است، توضیح داد: فیلم، لایه‌های پنهانی زیادی داشت که در حین ساخت با آنها روبه‌رو شدم؛ از نظر اجتماعی، فیلم به آن تک‌افتاده‌های خاموش جامعه نگاه می‌کند. آدم‌هایی که شاید در حاشیه جریان اصلی زندگی قلمداد می‌شوند ولی در سکوت خود، دنیایی کامل می‌سازند. سوال پنهان اینجا بود که آیا جامعه فقط صدای بلندترین‌ها را می‌شنود؟ یا می‌شود در سکوت هم حضور داشت؟ از نظر روانی، من می‌خواستم آن نبرد درونی همیشگی را نشان دهم؛ جنگ بین انزوا و ارتباط، بین درون‌گرایی عمیق و نیاز میرم به دیده شدن. سوزه‌های من با هنر، یک مکانیسم دفاعی زیبا ساخته بودند. هنر برای آنها هم پناهگاه بود، هم پنجره و از نظر فلسفی، برای من، این فیلم یک پرسش بزرگ را پیش می‌کشید: آیا زیبایی‌آفرینی می‌تواند جایگزین ارتباط مستقیم شود؟ وقتی زبان گفتگو می‌شکند، آیا زبان هنر می‌تواند به عنوان یک حقیقت غایی عمل کند؟ و در نهایت، شاید فیلم می‌خواهد بگوید در جهانی پر از سر و صدا، گاهی عمیق‌ترین ارتباط‌ها در سکوت و از طریق آفرینش شکل می‌گیرد. این نه قرار از جامعه، که برقراری ارتباطی در لایه‌ای دیگر است.وی درباره اینکه چقدر تلاش کرده تا وقایع را کاملاً عینی و بدون دخالت تفسیر به تصویر بکشد و در کجا احساس وظیفه کرده که دیدگاه شخصی خود یا مضامین عمیق‌تر را به بیننده منتقل کند، گفت: این دقیقاً همان خط باریک و سخت مستندسازی است که همیشه روی آن قدم زدم. قانون اول من این بود: قضاوت نکن، فقط مشاهده کن. سعی کردم دوربین



وجود نگاه منفی به تئاترهای شبانه

حامد شفیع‌خواه از داوران اولین جشنواره نمایش‌های کمدی شبانه با اشاره به ضرورت پرداختن به این جشنواره گفت: من شخصاً همواره طرفدار برگزاری جشنواره‌ها بودام اما معتقدم جشنواره زمانی معنا پیدا می‌کند که هدفمند باشد، نه صرفاً ابزاری برای اتلاف بودجه و ارائه بیلان کاری. مسأله‌ای که متأسفانه در بسیاری از جشنواره‌ها شاهد آن هستیم، در این میان، پرداختن به تئاتر کمدی، که یکی از ضروری‌ترین و در عین حال مغفول‌مانده‌ترین حوزه‌های هنری است، نتهنّا از جهت احترام و توجه به هنرمندان شریف این عرصه، بلکه به واسطه تأثیر مستقیم آن بر فرهنگ عمومی جامعه امری ضروری است وی ادامه داد: نمایش‌های کمدی بیشترین مخاطب را در میان گونه‌های نمایشی دارند؛ بنابراین تأثیرگذاری فرهنگی، اخلاقی و اجتماعی آنها، در کنار ایجاد شادی و نشاط، بسیار قابل توجه است. جشنواره می‌تواند به ارتقای کیفیت این آثار کمک کند تا کمدی، علاوه بر سرگرم‌کنندگی، با نگاهی مسئولانه‌تر، در رشد سطح فرهنگی جامعه نیز نقش‌آفرین باشد. به همان اندازه که تئاتر کمدی برای جامعه ضروری است، برگزاری جشنواره‌ای اختصاصی برای آن نیز یک ضرورت به شمار می‌آید.شفیع‌خواه درباره چرایی حرکت برخی از آثار این ژانر به سمت شوخی‌های دم دستی و بی‌محتوا، یادآور شد: در تمام دنیا، نمایش‌های اصطلاحاً برادوی گونه‌ای وجود دارند که فارغ از ایده‌های فلسفی و روشنفکرانه، با هدف سرگرم‌سازی مخاطب تولید می‌شوند. این آثار معمولاً پیچیدگی‌های فرمی یا صناعی ادبی پررنگی ندارند و تمرکزشان بر پرورش ووجه کمدی است. این مسأله ذاتاً ایراد محسوب نمی‌شود اما گاهی در نمونه‌های داخلی، این رویکرد باعث می‌شود جنبه‌های نمایشی و دراماتیک اثر به فراموشی سپرده شود و صرفاً برای خنداندن مخاطب، به هر ابزاری متوسل شوندوی در ادامه سخنان خود گفت: در چنین نقطه‌ای است که برخی منتقدان در تقابل با تئاتر کمدی شبانه قرار می‌گیرند و معتقدند بخشی از این آثار به سمت کمدی‌های سطحی و مبتذل حرکت کرده‌اند. به نظر من، یکی از مشکلات اصلی، روند ورود نسل جوان به این حوزه است. اغلب آموزش ساختارمند و آکادمیکی در این مسیر وجود ندارد و همانند برخی گونه‌های سنتی نمایش، انتقال تجربه به‌صورت سینه‌به‌سینه انجام می‌شود. از سوی دیگر، الگوها و نمونه‌های شاخص و در دسترس نیز برای بسیاری از این هنرمندان وجود ندارد. نتیجه این وضعیت، تکرار مداوم موقعیت‌ها و شوخی‌های مشابه در آثار مختلف است؛ حتی گاه موسیقی‌های یکسانی را در اجراهای گوناگون می‌شنویم. ضعف متن و ایده داستانی را می‌توان بزرگ‌ترین چالش تئاتر کمدی شبانه دانست. کافی است نگاهی به موفق‌ترین و پرفروش‌ترین آثار این حوزه بیندازیم؛ معمولاً این آثار از متونی خلاق‌تر و منسجم‌تر برخوردارند. به باور من، نوشتن در این حوزه نیازمند نگاهی عمیق‌تر و خلاقانه‌تر است.داور جشنواره نمایش‌های کمدی شبانه برگزاری این جشنواره را تلاشی در مسیر ارتقای کیفی این آثار دانست و گفت: جشنواره کمدی شبانه یک ضرورت است. حس رقابت همواره برای هنرمندان جذاب بوده و دیده شدن، بخش مهمی از انگیزه فعالیت در هر عرصه‌ای است.

■ «هفت روز سیما» عنوان یک بسته خبری-تحلیلی است که در پایان

هر هفته به بازخوانی متن و حاشیه‌ی اتفاقات خبری صدا و سیما و شبکه نمایش خانگی می‌پردازد

همچنین در این بسته، نیم‌نگاهی هم به شایعات و اخبار غیررسمی داریم و در تلاش هستیم

در کوتاه‌ترین زمان ممکن از مهمترین اخبار هفته در تلویزیون و شبکه

نمایش خانگی باخبر شوید

ویدئویی از گویندگی مجری زن در بخش خبری شبکه چهار سیما که

بخشی از قطعه محسن چاوشی را اجرا و بعد خبر آن را برای مخاطب خواند این هفته مثل بمبی در فضای مجازی و رسمی منفجر و سرتیتر

خبرها شد

این اجرا که در فضای مجازی با تیتُر «آوازخوانی گوینده زن» در همه جا ویدئو برای اولین بار بود

در بخش خبری تلویزیون دیده می‌شد

و فضای خارج از عرف آن باعث شد بسیاری در ابتدا حتی به واقعیت ویدئو شک کنند و آن را کاری از هوش مصنوعی بدانند.

با این حال مراجعه به تلویویون نشان داد اصل اتفاق درست است.

با این حال هیچیک از مسئولان تلویزیون یا بخش خبری نخواستند درباره این اتفاق توضیح دهند

برخی از خبرنگاران این اتفاق را هم به پای تغییر رویکردها در رسانه ملی گذاشتند و همین سوال را از پیمان جبلی رئیس صداوسیما پرسیدند. او در حاشیه جلسه هیئت وزیران در جمع خبرنگاران درباره بخش صدای خام‌ها در صدا و سیما گفت

ما ضوابطی داریم که گاهی از اوقات رعایت نمی‌شود و لازم است که در این خصوص تذکر دهیم و تذکر می‌دهیم اما ضوابط ما تغییر نکرده است

هرچند رئیس صداوسیما درباره این اجرای عجیب و اتفاقی که رخ داد توضیح بیشتری ن داده است

با این حال اگر چنین اتفاقاتی برای جذب مخاطب بیشتر باشد، نشان می‌دهد که برخی مدیران یا مسئولان مربوطه هنوز شناختی از مخاطب و نیازهای او ندارند. مخاطب بخش خبر دوست دارد واقعیت را ببیند و هر آنچه را که نیاز است به آن آگاهی رسانی کند

بدون سوگیری یا بدون کم و کاست بشنود و در جریان اتفاقات کشورش قرار بگیرد و حتماً غافلگیری‌هایی از این دست نمی‌تواند

برایش جذاب باشد و جز چند روزی که از سر شگفتی ویدئوها را در



قصه میهن‌دوستی ایل بختیاری

■ کارکرد تیتراژ چیزی شبیه به جلد کتاب است که طراحش تلاش می‌کند با انتخاب عناصر، فرم‌ها و چینش‌ها با کمک گرافیک و موسیقی مخاطب یک اثر را در جریان موضوع قرار دهد. شرایطی که گاهی بسیار نکته‌سنج، اندیشمندانه و حساب‌شده پیش روی مخاطبان قرار می‌گیرد و گاهی هم به قدری سردستانه و از روی ادای یک تکلیف اجباری ساخته می‌شود که بیننده را از اساس از یک اثر تصویری دور می‌کند.

آنچه بهانه‌ای شد تا بار دیگر رجعتی به کلیدوازه «تیتراژ» داشته‌ایم، مروری بر ماندگارترین و خاطره‌سازترین موسیقی‌های مربوط به برخی برنامه‌ها و آثار سینمایی و تلویزیونی است که برای بسیاری از مخاطبان درگیرنده خاطرات تلخ و شیرینی است و رجوع دوباره به آنها برای ما در هر شرایطی می‌تواند یک دنیا خاطره به همراه داشته باشد. خاطره‌یاری پس از آغاز و انتشار در نوروز ۱۴۰۰ و استقبال مخاطبان از آن، ما را بر آن داشت در قالب یک خاطره‌یاری هنفگی در روزهای جمعه هر هفته، روح و ذهن‌مان را به آن بسپاریم و از معبر آن به سال‌هایی که حال‌مان بهتر از این روزهای پردرسر بود، برویم.

در صد و شصت و ششمین شماره از این روایت رسانه‌ای به بهانه رونمایی از پوستر چهل و چهارمین جشنواره ملی فیلم فجر به سراغ موسیقی متن و تیتراژ فیلم سینمایی «شیرسنگی» به کارگردانی مسعود جعفری جوزانی و آهنگسازی زنده یاد فریدون شهبازیان رفتیم که می‌تواند به عنوان یکی از مهم‌ترین و تاثیرگذارترین ملودی‌ها در حوزه سینمای ایران به حساب آید.

فیلم سینمایی «شیر سنگی» به نویسندگی و کارگردانی مسعود جعفری جوزانی محصول سال ۱۳۶۵ سینمای ایران است که به دلیل محتوای ملی – میهنی که در ساختار و روایتش وجود داشت موجب شد تا همچنان به عنوان یکی از آثار قابل اتکای سینمای کشورمان به حساب بیاید و حتی شرایطی را ایجاد کند که دست اندرکاران جشنواره ملی فیلم فجر با گذشت ۳۹ سال از ساخت این اثر، هرچند در قالبی پرجاشیه از عکس آن به عنوان محور محتوایی پوستر جشنواره بهره مند شوند.

داستان فیلم از قتل مشکوک یک سرباز انگلیسی در کنار لوله‌های نفت مناطق بختیاری‌نشین شروع می‌شود و با انگشت اتهام به‌سوی کوهیار فرزند سرکرده طایفه که چادرشین و گله دار هستند ادامه می‌یابد. به اصرار انگلیسی‌ها و با یا درمیانی خان قلعه نشین، کشمشک برای جلب او ادامه پیدا می‌کند. کوهیار خود را معرفی کرده و دستگیری می‌شود. هنگام نجات کوهیار توسط اعلی یار و هم زمانش جنگی مسلحانه بین بختیاری‌ها و قشون دولتی درمی‌گیرد که به مرگ علی یار و قتل عامری توسط پسر نامدار خان می‌انجامد در سکناس پایانی فیلم نامدارخان که اعلی یار را مرده می‌یابد بسیار متأثر می‌شود. او می‌گوید که بر آرامگاه او شیر سنگی قرار خواهد داد.

علی نصیریان، عزت الله انتظامی، ولی الله شیراندازی، علیرضا شجاع نوری، حمید جبلی، احمد هاشمی، شمسی فضل الهی، آرتا لاجینی، فقیhme استکار، سوگند رحمانی، اصغر همت، عطاالله زاهد، میراصلاح حسینی، عباس نوذری، بهزاد رحیم خانی، فریدون ابوالضیا، حسین ملکی، حامد نصحنی، محمود تبریزی، علی تبریزی، قاسم تبریزی، رحیم دره شوری، حمید دادخواه، فریدون رضوانی، احد کوچکی، علی فرهادی، کیومرث احمدی، منصور تهرانی، سحر جعفری جوزانی، کامیار کلاری، کوهیار کلاری از جمله هنرمندانی بودند که در این اثر سینمایی به عنوان بازیگر حضور داشتند.

اما همان گونه که پیش تر هم درباره آن توضیح دادیم، در کنار ویژگی‌ها و قابلیت‌هایی محتوایی این ساخته مسعود جعفری جوزانی موسیقی متن و تیتراژ فیلم هم دربرگیرنده جذابیت‌هایی بود که توانست به عنوان یکی از مولفه‌های معتبر اثر نیز نقش ایفا کند. موسیقی دارای تفکر فریدون شهبازیان در این فیلم به عنوان یک آهنگساز پیشگام با صدای توج زاهدی در ترانه «مرجنکه» که برخاسته از ملودی‌های بختیاری پیش روی شنونده قرار گرفته فضایی را فراهم ساخت که موسیقی تیتراژ این پروژه سینمایی هم به عنوان یکی از خاطره‌سازترین موسیقی‌های تیتراژها لقب بگیرد.

در یکی از ستایش‌های مرتبط با فیلم نوشته‌اند «قهرمانان فیلم یگانه و باشکوه «شیر سنگی». همه یک به یک می‌میرند و آخرین قهرمان در پلان آخر؛ تا روی صورتش ترانه‌ای خوانده شود. آنجا که «نامدارخان» وعده «شیر سنگی» به قبر «اعلی یار» می‌دهد، به‌حساب خود او را جولانه کند. سر «اعلی یار» روی دیوار سُر خورد و با چشم باز، جان را تمام کرد و می‌بیند که سواران بختیاری دارند از روی لوله‌های نفت می‌پرند، «اعلی یار» رفت، اما نمرّد تا در هیئت آن سوارکاران فراچشم، تکبیر شود. جان «اعلی‌یار» در تن آنان رفت تا نسل به نسل برود و جولانه شود. فیلم اما، سکان اختیاریاش را به صدایی از همان ایل می‌دهد تا در رفتن جان این قهرمان را بگیرد.

نی نواخت و خوانند «مرجنکه؟ مرجنکه؟ خدا دونه جنگ تنفکه» و سواران جلوی چشم جان اعلی یار تاختند: «هر او بی؟ مر او بی؟ خدا ایدونه جنگ برنو بی» صدای ترانه «مرجنکه» بر شانه بلند کوهای بختیاری جا خوش می‌کند.

در شعر این ترانه اسامی شخصیت‌های اصلی این داستان یعنی «اعلی یار» و «نامدار خان» هم آمده که گویا این چند خط شعر، توسط خود فریدون شهبازیان و توج زاهدی روی ملودی سروده شده و واقعیت هم این است ترانه «مرجنکه» نقش بسیار پررنگی در ابدیت و ماندگاری این فیلم ایفا کرده است. در یکی دیگر از مطالب مرتبط با موسیقی متن و تیتراژ فیلم سینمایی «شیر سنگی» آمده است: «فریدون شهبازیان با شناخت موتیف‌های ملودیک، رنتمیک و ملودی رنتمیک موسیقایی سبک زندگی ایل بختیاری اقنام به تولید آن کرد. ملودی که بعدها با نام «مرجنکه» شناخته شد و خوانندگان دیگر آن را تکرار کردند. البته موسیقی در مناطق زاگرس‌نشین ایران با صدای دلنشین لالایی مادرانه برای کودکان آغاز می‌شود بعد در ساحت زندگی، کار و تلاش این نواحی آهنگین با آنان همراه است نوابی که در زندگی مردمان ایل‌ها بیشتر قابل شنیدن است.

در این چارچوب بخشی از تمین زاگرس بدون شک روی موسیقی و زندگی مردم این منطقه تأثیر گذار بوده است، به گونه‌ای که می‌تواند ردپای موسیقی مقامی و محلی را در لالایی کارهای روزمره مردم به ویژه عشایر دید. در موسیقی مناطق زاگرس‌نشین ایران در کنار کار و تلاش و کسب زوری مانند دروگری، کشاورزی، دامداری، ملودی‌های حماسی نیز وجود دارد که بیابگر تاریخ شفاهی این منطقه است و مرجنکه شهبازیان نیز ریشه در این تاریخ شفاهی حماسی دارد. لوح این موسیقی عجین شده با زندگی مردم را می‌تواند در زندگی مشایر جستجو کرد و این موسیقی در هنگام کوچ عشایر که به مالکون شهرت دارد اتفاق می‌افتد. سوز غم انگیز مالکون در آواز گوشه‌ای دشتی و شوشتری روایت دل‌کنن ایل برای کوچ است و صدای سِرنّا و کرنا و دهل کوبی کوبی ایل را برای کوچ مهیا می‌کند.

صاحب امتیاز و مدیر مسئول | محمد جواد اهوویی
زیر نظر شورای سردبیری

عکس | امیررضا شفاویی | گرافیست و صفحه آر | مهدی حاجی شریفی
روابط عمومی | جهانگیر توسلی | ناظر هنری | محمد رضا مهدیانی
تلفن | ۰۲۱۸۲۰۵۲۵۱۸ _ ۰۹۹۳۱۲۴۶۶۳۴ | آگهی ها | ۰۲۱۸۲۰۵۲۵۱۸
نشانی | بلوار کشاورز - خیابان عبداللّه زاده - کوچه زیبا - پلاک ۴۴ - واحد ۵
چاپ | صمیم - ۴۴۵۸۲۸۴



تیتراژ

• کارکرد تیتراژ چیزی شبیه به جلد کتاب است که طراحش تلاش می کند با انتخاب عناصر، فرم‌ها و چینش‌ها با کمک گرافیک و موسیقی مخاطب یک اثر را در جریان موضوع قرار دهد. شرایطی که گاهی بسیار نکته‌سنج، اندیشمندانه و حساب‌شده پیش روی مخاطبان قرار می گیرد.



اوتیسم

• اوتیسم یا اختلال طیف اوتیسم نوعی تفاوت عصبی‌رشدی است که بر درک، ارتباط، تعامل اجتماعی و رفتار فرد تأثیر می‌گذارد و معمولاً از دوران کودکی بروز می‌کند. فیلم مستند «شنا خلاف جهت» ساخته جواد رزاقی‌زاده سفری آرام و تأمل‌برانگیز به جهان درونی فردی مبتلا به اوتیسم و رابطه او با مادرش دارد.



فراموش‌شده‌ای به نام «سعید صادقی»

لیگ برتر فوتبال ایران در طول فصول اخیر در کنار درخشش چهره‌های جوان که خیلی توانسته‌اند خود را به تیم‌های مطرح و بزرگ لیگ مرتبط کنند و فرصت بازی در این تیم‌ها را به‌دست آورند، میزبان چهره‌های باتجربه‌ای بوده که به یک‌باره ورق را به سود خود برگردانده‌اند. شاید شاخص‌ترین این چهره‌ها در سالیان گذشته، چهره‌هایی نظیر امین قاسمی‌نژاد و سعید صادقی باشند که با وجود گذر از سن‌وسال پدیده بودن در لیگ توانستند نظر مساعد تیم‌های بزرگ را به خود جلب کنند و به بمب نقل‌وانتقالاتی تبدیل شدند. قاسمی‌نژاد که این روزها در لیگ همراه هوادار است و توانسته موقعیت خوب گذشته خود را بازیابی کند و در واپسین سال‌های حضورش در مستطیل سبز در سودای آن است تا یک پایان خوش را تجربه کند. با این وجود شرایط برای سعید صادقی متفاوت است؛ بازیکنی که پیش از شروع لیگ بیست‌ودوم، لقب «شاه‌ماهی» بازار نقل‌وانتقالات را به خود اختصاص داد اما هیچ‌گاه در فصول اخیر نتوانسته در قدوقواره شاه‌ماهی خوش بدرخشد و درخشش خیره‌کننده خود در لیگ بیست‌ویکم را تکرار کند.



سومین تساوی متوالی تیم گواردیولا

• در حالی که لیگ برتر انگلیس به نیمه دوم فصل رسیده، منچستر سیتی تحت هدایت پپ گواردیولا با بحران نتایج دست‌وپنجه نرم می‌کند. تساوی شب گذشته مقابل برایتون در ورزشگاه اتحاد، سومین تساوی پیاپی سیتی در لیگ بود و این تیم را بیش از پیش از صدر جدول دور کرد. گواردیولا پس از بازی با ناامیدی آشکار گفت تیمش نمی‌تواند به فکر تعقیب آرسنال باشد چون روند بدون برد اخیر، شانس قهرمانی را به حداقل رسانده. این لغزش‌ها نه تنها هواداران را نگران کرده، بلکه سؤالاتی جدی درباره آینده پروژه گواردیولا در اتحاد مطرح کرده‌پایید به آمار نگاهی بیندازیم. سیتی در ۲۱ بازی اخیر خود، ۱۳ برد، ۴ مساوی و ۴ باخت ثبت کرده و با ۴۳ امتیاز در رده دوم جدول قرار دارد. اما این آمار فریبنده است. در ۶ بازی آخر، تنها ۳ برد به دست آمده و ۳ تساوی. تیم را از ریتم قهرمانی خارج کرده. اریک تین هالند، ستاره نروژی، شب گذشته صد و پنجاهمین گل خود برای سیتی را از روی نقطه پنالتی به ثمر رساند اما این گل کافی نبود تا جلوی گل دقیقه ۶۰ کائورو میتمو را بگیرد. سیتی در این بازی ۶۸ درصد مالکیت توپ داشت، ۱۸ شوت زد (در مقابل ۹ شوت برایتون) و امیدگل ۲۳ خلق کرد اما تنها یک گل به دست آمد. این ناآرامی در تبدیل موقعیت‌ها به گل، یکی از مشکلات اصلی اخیر است. در ۲ تساوی پیاپی، سیتی ۵۴ شوت زده اما تنها ۲ گل به ثمر رسانده. رقیب با ۲۲ شوت، ۳ گل زده‌لداین روند با وضعیت چند هفته پیش کاملاً متفاوت است. اوایل دسامبر، پس از برد مقابل کریستال پالاس، فاصله سیتی با صدر جدول به تنها ۲ امتیاز رسیده و به نظر می‌رسید پس از شروع متنازل. تیم پپ به فرم ایده‌آل بازگشته اما از آن زمان، اشتباه‌های از دست رفته انباشته شده. حالا فاصله با آرسنال صدرنشین به ۵ امتیاز رسیده و سیتی یک بازی بیش‌تر انجام داده. در ۶ بازی اخیر این عدد به ۱۳۳ کاهش یافته گل‌های خورده از ۰.۹ به ۱.۵ افزایش داشته. فرم خانگی سیتی هم نگران‌کننده است، در ۵ بازی خانگی اخیر، تنها ۲ برد و ۳ تساوی در مقایسه با ۲ فصل گذشته که ۹ برد پیاپی در اتحاد داشتند.

بحران مدافع راست در پرسپولیس

بیماری قلبی

آندرس فیلیپ، مدافع راست اهل کلمبیا که در تیم اتلتیکو ناسیونال این کشور عضویت دارد، دیگر گزینه معرفی‌شده از سوی اوسمار ویرا در مسیر تقویت فهرست سرخ‌پوشان بود. فارغ از مباحث قراردادی و ارزش‌گذاری یک میلیون یورویی او از سوی «ترانسفرمارکت» پیگیری‌های بیشتر مسئولان باشگاه پرسپولیس منتج به آن شده که مدافع ۳۰ ساله و کلمبیایی دچار بیماری قلبی است و همین مسئله باعث شده تا سرخ‌پوشان قید همکاری با آندرس فیلیپ را هم بزنند و فرجام جذب دومین گزینه مدنظر اوسمار ویرا هم ناموفق باشد فقط ۲ جوان در دسترس اوسمار؛ ژویر قورمز در سمت راست خط دفاع سرخ.

پرسپولیس در برهه فعلی یعقوب براجعه و البته سهیل صحرایی را به عنوان گزینه‌های حضور در پست دفاع راست دارد؛ هر چند که میلاد محمدی هم در قامت مدافع راست می‌تواند به میدان برود اما در شرایط کنونی، او تنها مدافع چپ تخصصی فهرست پرسپولیس محسوب می‌شود. آنچه پُر واضح است اینکه سرخ‌پوشان از یک‌سو در کشاکش دعوای حقوقی با سرژ اوریبه برای فسخ قرارداد هستند و از سوی دیگر فعلاً نتوانسته‌اند با گزینه شاخصی برای تقویت سمت راست خط دفاعی تیم‌شان به توافق برسند و این موضوع در آستانه شروع نیم‌فصل دوم شرایطی ویژه را علیه پرسپولیسی‌ها به‌وجود آورده است. شاید بهتر بود پرسپولیسی‌ها ابتدا با گزینه مدنظرشان به توافق می‌رسیدند و سپس مناقشه حقوقی با اوریبه را آغاز می‌کردند اما حالا نه مدافع راست شاخصی در لیست نفرات خود دارند و نه فعلاً با گزینه شاخصی برای تقویت فهرست تیم‌شان به توافق رسیده‌اند

پرسپولیس اولین قدم در بازار نقل‌وانتقالات زمستانه را با اعلام خبر جدایی سرژ اوریبه و فرشاد احمدزاده برداشت؛ ۲ بازیکنی که در لیست مازاد سرمربی سرخ‌پوشان پایتخت حضور داشتند. در ادامه هم ایگور سرگیف به پرسپولیس پیوست و حالا در شرایطی که اردوی آماده‌سازی زمستانه سرخ‌پوشان در کمپ اسپایر قطر در حال برگزاری است، مدیران باشگاه پرسپولیس در تلاش هستند تا بتوانند خواسته‌های نقل‌وانتقالاتی اوسمار ویرا را اجابت کنند و لیست تیم خود را تقویت نمایند.اوریبه در حالی در لیست مازاد اوسمار ویرا قرار گرفت که هنوز مدیران باشگاه با او برای جدایی به توافق نرسیده‌اند. برحسب آخرین خبرها، سرژ اوریبه خواهان دریافت تمام رقم قرارداد خود از سرخ‌پوشان شده که همین مسئله مناقشه ویژه‌ای را به‌وجود آورده و چالش‌ها در مسیر قطع همکاری با مدافع صاحب‌نام ساحل‌عاجی ادامه دارد. اتفاق مهم آنکه تلاش‌ها در مسیر جذب مدافع راست برای سرخ‌پوشان فعلاً مثمر‌تر نبوده و با گزینه‌های مدنظر اوسمار ویرا توافق حاصل نشده است

تیر اول به سنگ خورد؛ علیجانوف نیامد

خوجی‌اکبر علیجانوف، مدافع راست باتجربه ازبکستانی که در تمام دوران فوتبال خود را در تیم پاختاکور گذرانده، جدی‌ترین گزینه مدنظر سرخ‌پوشان برای پیوستن به پرسپولیس بود که مذاکرات با او و باشگاه ازبکستانی مثبت هم پیش رفت. در شرایطی که به نظر می‌رسید مقدمات برای امضای قرارداد همکاری با علیجانوف فراهم است، به یکباره تصمیم این مدافع باتجربه تغییر کرد و او به پیشنهاد پرسپولیس پاسخ منفی داد تا سرخ‌پوشان در مسیر جذب یک چهره نام‌آشنا برای تقویت سمت راست خط دفاعی تیم خود ناکام باشند

جذب گزینه جنجالی اوسمار منتفی شد؛ مدافع راستی با

